نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال نوزدهم - شماره ۸۲۰ یکشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۵ - ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



بیانیه ی ۲۵۳نفر از کنشگران سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استان بوشهر

حمایت کنشگران مدنی از برجام و سیاست تنش زدایی دکتر روحانی رئیس جمهور

صفحه ۲



مشاور استاندار بوشهر:

جوانان بوشهر با مهارت آموزی برای ساخت دو نیروگاه بوشهر آماده می شوند

صفحه ۸

آیا دانشکده معماری رونق را به بافت تاریخی بوشهر باز می گرداند؟

صفحه ۵



۲

درخواست مدیران کانون های بازنشستگان استان بوشهر از وزیر رفاه:

خواهان رفع تبعیض و همسان سازی حقوق بازنشستگان سالهای مختلف هستیم

۳

بحران مدیریت یا بحران مدیران؟

مرتضی رضائی

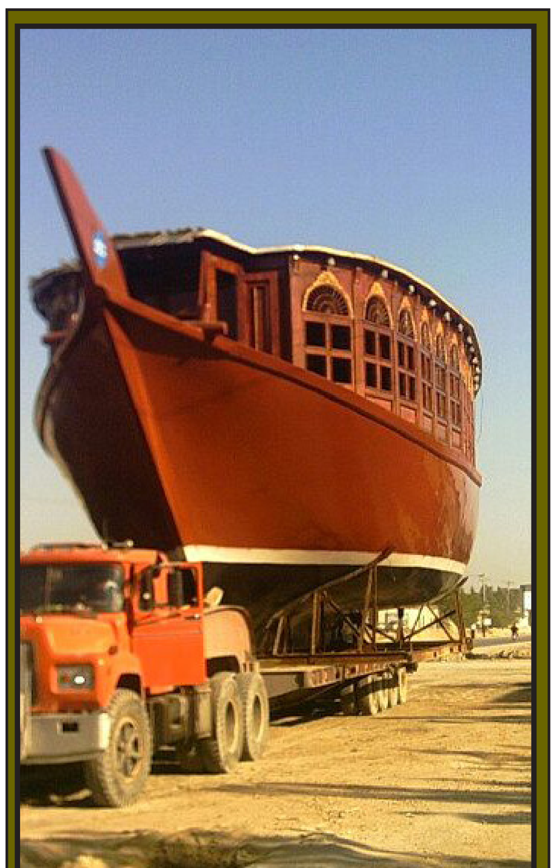
۵

وضعیت اسفبار ورود فاضلاب بوشهر به دریا

زهرا رضایی

۸

رازواره های تایتانیک ایرانی برای میراث فرهنگی بوشهر



مصاحبه نسیم جنوب با سهیلا بن رومی کارآفرین بوشهری:

بانوی کارآفرین بوشهر در آرزوی ناخدایی «کشتی رستوران و تفریحی ستاره جنوب»

صفحه ۷



داود رشیدی و تئاتر بوشهر

جهانشیر یاراحمدی

صفحه ۴

در شورای شهر بوشهر چه می گذرد

وضعیت بحرانی سازمان اتوبوسرانی بوشهر

سازمان اتوبوسرانی یک سازمان ورشکسته است

صفحه ۵

خانواده محترم میگلی نژاد، جناب آقای غلامعلی میگی نژاد شهردار محترم بوشهر

با نهایت تاثر و تاسف ، مصیبت وارده را تسلیت و تعزیت عرض نموده و از خداوند تبارک و تعالی برای آن مرحوم، علو درجات و رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و بردباری مسئلت داریم.

«هفته نامه نسیم جنوب»

نسیم جنوب
خبر
شماره ۸۲۰ یکشنبه ۱٤ شهریور ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

معاون منابع انسانی استاندار بوشهر:

اعتبار ۷۰۰ میلیارد تومانی پروژه های دولت در استان بوشهر



معاون منابع انسانی استاندار بوشهر گفت: در هفته دولت امسال بالغ بر ۷۰۰ میلیارد تومان میزان اعتبارات برای افتتاح و آغاز عملیاتی پروژه ها هزینه شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، سعید زرین فر در آیین تودیع و معارفه مدیرکل امور مالیاتی استان بوشهر اظهار داشت: در بیان اقدامات دولت تدبیر و امید باید ابتدا شرایطی که این دولت سکان فعالیت را در دست گرفته گفته شود.

زرین فر با عنوان اینکه برجام طی دو سال توسط تیم مذاکره کننده این دولت به فرجام رسید بیان کرد: توافق برجام گره گشایی از مشکلات نیست بلکه رفع موانع برای اقدامات بعدی جهت رسیدن به هدف است.

وی گفت: ما در استان بوشهر در حالی استانداری بوشهر را برعهده گرفتیم که بالغ بر هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان مطالبات پیمانکاران و پروژه نیمه کاره بود و اعتبارات عمرانی استان تنها ۳۵۰ میلیارد است که عملا باید چندین سال بدون هیچ کاری مطالبات معوقه را پرداخت می کردیم.

معاون منابع انسانی استاندار بوشهر در ادامه افزود: اما با تدبیر و تلاش مسئولین استانی توانسته ایم با جذب منابع ملی، مطالبات پرداخت و در هفته دولت امسال بالغ بر ۷۰۰ میلیارد تومان میزان اعتبارات برای افتتاح و آغاز عملیاتی پروژه ها هزینه شده است.

معاون منابع انسانی استاندار بوشهر اظهار داشت: بالغ بر هزار ۵۰۰ واحد صنعتی در استان است که ۴۰۰ واحد اعلام مشکل کرده اند که عموما مشکلات بیمه و مالیات بوده است.

زرین فر در ادامه بیان کرد: از این تعداد ۲۴۰ مورد در کارگروه بررسی گردید و به بانک های عامل معرفی شده است که ۹۰ مورد آن به شعب و تا کنون تنها ۱۰ مورد آن پرداخت شده است.

درخواست مدیران کانون های بازنشستگان استان بوشهر از وزیر رفاه:

خواهان رفع تبعیض و همسان سازی حقوق بازنشستگان سالهای مختلف هستیم

جناب آقای دکتر ربیعی وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی

با سلام

با احترام و آرزوی توفیق روزافزون برای حضرتعالی، از آنجا که بازنشستگان از خانواده دولت می باشند و در دوران سالمندی، کاهش تدریجی توانایی های جسمانی و روانی، ابتلا به بیماریهای مختلف، بالا رفتن انتظارات اعضای خانواده از آنان، افزایش هزینه زندگی و کاهش حقوق دریافتی، دامنگیر آنان شده است. نیاز به حمایت همه جانبه مقامات کشوری دارند. با یاری خداوند سبحان، مدیران کانون های بازنشستگان مشمول صندوق بازنشستگی کشوری در استان بوشهر تحت عنوان شورای موقت کانونهای بازنشستگان در گردهمایی ماهانه، ضمن بررسی خواسته های پیشکسوتان، درخواست های خود را به شرح زیر تقدیم حضرتعالی می نمایند. امید است با بذل توجه و عنایات خاص و تدابیر لازم موجب کاهش مشکلات و ایجاد آرامش در زندگی این سالمندان دردمند گردید.



۱- ما خواهان رفع تبعیض و همسان سازی حقوق بازنشستگان سالهای مختلف هستیم اکنون تفاوت بین بازنشستگان با مدرک تحصیلی و سابقه خدمت و پست سازمانی یکسان به دو برابر رسیده است.

۲- دوران بازنشستگی زمان فرسودگی و ضعف جسم و جان و ابتلا به انواع بیماریهاست، حقوق ناچیز بازنشستگی هم به هیچ وجه پاسخگوی هزینه های درمان نمی باشد لذا برقراری بیمه ای کارآمد برای این دوره از زندگی بصورت بیمه مکمل ضرورت دارد.

۳- ما بازنشستگان با آگاهی از مشکلات دولت و صندوق بازنشستگی برای پرداخت تمام مطالبات بازنشستگان که با توجه به ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و صدور صدها رأی از سوی دیوان عدالت اداری به آنان تعلق گرفته است درخواست می نماییم طلب انباشته از سال۸۷ تا پایان سال۹۲ بعنوان دیون دولت تلقی شود و مابه التفاوت نرخ تورم و افزایش حقوق بر اساس ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و آراء صادره از سوی دیوان عدالت اداری در سال جاری پرداخت گردد.

۴- به استناد مفاد ماده ۶۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، حقوق بازنشستگان و موظفین نیز همانند شاغلین می بایست افزایش یابدکه متاسفانه باز هم با بی توجهی اجرا نشده است و عدم اجرا، شکاف عمیقی بین دریافتی های بازنشستگان طی سالهای ۸۶ تا۹۲ و قبل و بعد از آن بوجود آمده است که مغایر با بند ج ماده ۵۰ برنامه پنجم توسعه می باشد.

۵- الزام دستگاههای اجرایی در خصوص کمکهای رفاهی به بازنشستگان دستگاه خود به تبع افزایش هزینه های زندگی و سالمندی که فزونی می یابد، با اضافه نمودن بازنشستگان به متن ماده ۴ قانون الحاق موادی با قانون منظم به بخشی از مقررات مالی دولت، امکان پرداخت این کمکها را به بازنشستگان دستگاه خود فراهم آورند.

۶- نبودن باشگاه یا خانه امید یا محلی برای تجمع وگذراندن اوقات فراغت در استان بوشهر از توقعات مجموعه بازنشستگان مشمول صندوق کشوری می باشد در این زمینه علیرغم اختصاص بودجه از سوی صندوق کشوری، متاسفانه هیچ گونه تلاشی را در استان مشاهده نمی کنیم.

۷- چنانچه موانعی برای کمک دولت به کانونهای بازنشستگان وجود دارد مرتفع گردد زیرا کانونها مطابق اساسنامه باید از محل هدایا و اعانات و موقوفات دریافتی داشته باشند اما متاسفانه تاکنون اتفاقی نیفتاده است.

۸- بیش از دو سال است که طرح در خانه نمانیم در استان بوشهر به علت بی توجهی مسئولان ذیربط تعطیل شده است. حال که حمایت های صندوق کشوری در این زمینه افزایش یافته است چرا ما در استان بوشهر از این مزایا برخوردار نباشیم؟ هدایت بازنشستگان به سوی سامانه ثبت نام سفرهای زیارتی و سیاحتی تاکنون نتوانسته درخواست هایشان را تأمین کند و در این زمینه منتظر اقدام عاجل می باشیم.

۹- طولانی بودن روند صدور پروانه برای فعالیت کانون ها و حتی بی توجهی مقامات ذیربط در استان برای صدور پروانه کانون های صنفی مشمول صندوق کشوری را آزار می دهد.

۱۰- درخواست اجرایی شدن ماده ۲۵ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم مقررات مالی دولت که بر اساس مفاد آن به منظور توسعه گردشگری داخلی و حمایت از سفرهای کارکنان دولت (شاغلین و بازنشستگان و موظفین و ...) به کلیه دستگاههای اجرایی اجازه داده شده در صورت مشارکت بخش گردشگری، هزینه سفرهای ارزان قیمت کارکنان خود را در قالب بن سفر از محل اعتبارات رفاهی بودجه مصوب خود پرداخت نمایند. آیین نامه آن ماده از سوی هیئت وزیران وقت تهیه و ابلاغ شده لیکن اجرا نشده است الزام مجدد آن در برنامه ششم راهگشا خواهد بود.

جناب آقای دکتر ربیعی پرداخت حقوق حقه بازنشستگان در حد یک زندگی ساده و آبرومند در واقع تکریم این قشر شریف است و توجه به حفظ کرامت آنان ضرورت دارد پیوند دادن حقوق حقه بازنشستگان به وضع مالی صندوق بازنشستگی که نتوانسته است پس اندازهای آنان را به روز نگه دارد امری نادرست است. امید است این درخواست ها مورد اجابت قرار بگیرد بی صبرانه تقاضامند دفع ظلم، رفع تبعیض، برقراری عدالت با همسان سازی حقوق و بیمه کارآمد برای ایجاد آرامش روحی و روانی در حق بازنشستگان می باشیم.

با احترام عالی بازدار- رییس شورای کانون های بازنشستگان کشوری استان بوشهر

اجرای ۱٤۰۰ پروژه عمرانی با ۱۸۳۰ میلیارد تومان در بوشهر

معاون امور عمرانی استاندار بوشهر گفت: ۱۴۰۰ پروژه عمرانی با اعتبار ۱۸۳۰ میلیارد تومان سال گذشته در استان بوشهر اجرا شد که این مهم جایگاه این استان در حوزه توسعه و پیشرفت نشان می‌دهد.

به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، سید محمد حسن باستی با بیان اینکه ۲۰ درصد اعتبارات عمرانی استان بوشهر در حوزه راهسازی تخصیص می‌یابد افزود: از ۴۶۰ میلیارد تومان اعتبارات استانی امسال ۲۰ درصد آن به حوزه راهسازی تخصیص یافته که اکنون ۸ طرح بزرگراهی در این استان در حال اجرا است. باستی با اشاره به اینکه سال قبل ۱۴۰۰ پروژه عمرانی در استان بوشهر اجرا شد تصریح کرد: در سال گذشته ۱۴۰۰ پروژه عمرانی با اعتبار ۱۸۳۰ میلیارد تومان در استان بوشهر اجرا شد که این مهم جایگاه این استان در حوزه توسعه و پیشرفت نشان می‌دهد. وی با بیان اینکه طرح‌های راهسازی زیرساخت توسعه و پیشرفت است گفت: توسعه طرح‌های راهسازی ضمن ارتقا ایمنی تردد در جاده‌ها ظرفیت توسعه در این استان را افزایش می‌دهد.

پرونده شش نفر از اعضای شورا و شهرداری گناوه به دادگاه ارجاع شد

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان گناوه گفت: پرونده شش نفر از اعضای شورای اسلامی و شهرداری گناوه که از تیرماه سال گذشته تاکنون در دست رسیدگی است، تکمیل و به دادگاه کیفری۱ برازجان ارجاع شد.

خدارحم گزدرازی درگفت وگو با ایرنا افزود: پرونده شورای شهر و شهرداری گناوه در پی گزارش ضابطان به شعبه اول بازپرسی ارجاع شده بود که با رعایت مقررات و قوانین و در نظرگرفتن حقوق متهمان، مطلعان، شهود و دیگر افرادی که در این زمینه اطلاع داشته اند با دستور مقام قضایی قرار تامین صادر شد.

وی اظهار کرد: پس از انجام تحقیق ها قرار نهایی صادر و پرونده با صدور کیفرخواست در مورد شش نفر از متهمان برای صدور حکم به دادگاه کیفری۱برازجان شهرستان دشتستان ارسال شده است. گزدرازی گفت: درباره سایر متهمان پرونده شورای اسلامی و شهرداری گناوه باز است. تعدادی از اعضای شورای اسلامی شهر و شهرداری گناوه سال گذشته به دستور مقام قضایی دستگیر شدند.

دادستان عمومی و انقلاب گناوه پیش از این گفته بود: هیچ فرد یا شخص حقیقی یا حقوقی و اصحاب رسانه حق ندارند اطلاعاتی از جزییات پرونده یادشده در دسترس عموم قرار دهند.

گزدرازی بیان کرد: با توجه به اینکه پرونده شورای اسلامی و شهرداری گناوه در مرحله تحقیقات مقدماتی است، مردم و رسانه ها از درج هرگونه مطلب درباره این پرونده خودداری کنند. شهر گناوه با حدود ۷۰ هزار نفر جمعیت در ۱۴۰ کیلومتری شمال مرکز استان بوشهر قرار دارد.

بیانیه ی ۲۵۳ نفر از کنشگران سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استان بوشهر

حمایت کنشگران مدنی از برجام و سیاست تنش زدایی دکتر روحانی رئیس جمهور

به نام خداوند جان و خرد ، هم میهنان گرامی، هم وطنان عزیز!

همان گونه که دست کم بیش تر مشارکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۹۲ کم و بیش آگاه اند، سیاست تنش زدایی در عرصه ی منطقه ای و جهانی و برقراری و یا گسترش مناسبات دوستانه و صلح آمیز با کشورهای جهان رکن اصلی برنامه های تبلیغاتی آقای حسن روحانی در حوزه ی سیاست خارجی بود. این رویکرد و دیگر وعده های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آقای روحانی که در مجموع، سمت و سویی مترقی و بهبود خواهانه داشت، مورد پشتیبانی اغلب شرکت کنندگان در انتخابات ۹۲ قرار گرفت.

رییس جمهور در چارچوب این استراتژی خردمندانه و شعورمند، بر بنیاد پاسداری از منافع ملی و احترام متقابل نسبت به دولت های خارجی و با کاربست گفت و گوی مستقیم، دو و چند جانبه با قدرت های تاثیرگذار بین المللی، توانست تا حدود زیادی به مناقشه ی هسته ای میان حکومت ایران و بازی گران اصلی سیاست جهانی پایان دهد. رئیس جمهور و تیم مذاکره کننده ی وزارت خارجه به ریاست آقای محمدجواد ظریف، در شرایطی بر سر برنامه ی هسته ای حکومت ایران با کشورهای پنج به علاوه ی یک به توافق رسیدند که برون داد عملکرد دست اندرکاران پرونده ی هسته ای در فاصله ی سال های ۸۴ تا ۹۲، نه فقط ارمغان مثبتی برای میهن و ملت ایران نداشت؛ بلکه با ارجاع پرونده از آژانس بین المللی هسته ای به شورای امنیت و صدور چند قطع نامه توسط آن شورا، تحریم های گسترده، ناهوشمند و بس زیان بار به خصوص در حوزه ی اقتصاد، تجارت و مراودات بانکی علیه ایران وضع گردید. هم چنین بیم آن می رفت که میهن ما بار دیگر مورد تهاجم نظامی قرار گرفته و درگیر جنگ خانمان برانداز دیگری شود. در این شرایط، دولت یازدهم اما با نگاهی واقع بینانه به ساختار قدرت در جهان و در پیش گرفتن سیاست اعتمادسازی، و با توجه به امکانات داخلی، توانست سایه ی سیاه جنگ ویرانگر را از قلمرو وطن بیرون رانده و حداقل بخشی از فهرست بلند بالای تحریم ها را نیز پاک کرده و گشایشی موثر در داد و ستد با کشورهای دیگر و از جمله در افزایش صادرات نفتی ایجاد کند. اینک معطوف به مسائل یاد شده، ما امضاکنندگان این بیانیه به عنوان بخشی از شهروندان کشور و کنشگران جامعه ی مدنی، توافق نامه ی برجام را گامی ملی و رو به جلو در خط و مشی صلح طلبانه عموم ایرانیان دانسته و حمایت خود را از این توافق نامه و کلیت سیاست گفت و شنود و تنش زدایی رئیس جمهور و وزیر امور خارجه اعلام می داریم.

حمید آب آذر، امرالله آذرگشت، محمد آقایان حسینی، نجف آهوچهر، علی ابراهیمی، غلام رضا ابراهیمی، احسان احمد زاده، اسکندر احمدنیا، حسن احمدی، علی احمدی، نصرالله احمدی، علی اکبر احمدی پور، عبدالحسین احمدی ریشهری، حسین اسکندری، صدرالله اسماعیلی، نجیب افراسیابی، اصغر اکبری، رضا امیری، حسین امیری، محسن امیری، مهدیه امیری، یوسف انصاری، محمد جعفر ابزدپناه، الهام بارگاهی، عالی بازدار، ناصر باغبانی، احمد بافنده، حسین بحرانی، محسن بحرینی، هادی بحرینی، محمد علی بختیاری، حسین بختیاری آزاد، محمود بدیه، هادی برمکی، مهدی بکران، حسین بکمی، سیروس بنه گزی، کریم بنه گزی، ناصر بوهندی، اسماعیل بهبهانی، مهدی بهرامی، علی رضا بهرامی، سکینه بهزادی، معصومه بهی زاده، علی بیداری، سجاد پاپی، عمران پارسا پور، مریم پاک طینت، حمید پور حیدر، غلام علی تمهید، ستاره تناور، احسان توحیدی، اکبر توسلی، محسن ثقفی، فرشید جان احمدیان، سید احمد جعفری، سید محمد مهدی جعفری، مجید جعفری، پروین جمادی، عبدالمجید جمالی، محمود جمهیری، ثریا جوان، احسان جوشن، حسن جوکار، مهدی جهان بخشان، علی حاتمی، علی رضا حاجب، محدثه حاجیانی، مرتضی حاجی زاده، مرضیه حاجیونی، اسماعیل حسام مقدم، عبدالخضر حسن ابراهیمی، عبدالله حسن ابراهیمی، محمود حسنی توالع، جعفر حسینی، محمد رضا حسینی، کاوه حق پرست، محمد کاظم حق شناس، احمد حیاتی، خسرو حیدری، علی اکبر حیدری پور، مازیار خدابخش زاده، ابراهیم خدری، مصطفی خرمی، حامد خضری، الله کرم خلیفه نژاد، شریعت خواجه ئیان، صدر الله خمشایا، مریم خویینی، محمد دادفر، محمد داستان، مهران دامغانی، علی دباش، رضا درخشنده، عباس دشتی، مرتضی درویشی، ابوذر دهدارفرد، امرالله دهقان، حسین دهقانی، نبی دهقانی، مهدی ذابی، علی رحیمی، قدرت الله رحیمی، الله کرم رزمپا، اسد رستمی، مجید رستمی، محمد رشید پور، محسن روشن، حسین رویین، محسن رویین، مسلم رویین، هادی رویین تن، مرتضی رحمانی، پیمان ریشهری، عبدالرزاق ریشهری، عذرا زارع زاده، منصور زارعی، عبدالرسول زاهدی، محمد رضا زرین فر، محمد زندوی، منصور زنده بودی، نورالله زنده بودی، امیر زنگنه، یدالله زنگویی، طاهره ساقیان، احمد سبحانیان، مرتضی سراجی، یوسف سلیمی، حسن سلیمی دوست، نوشین سلیمی فرد، سهیلا سیاهوشی، اصغر سیف بوشهری، بابک شاکر، حسین شاکری، حمید شاه ولی، غلام شایان، غلام رضا شبانکاره، احسان شریفی، قاسم شکوه، جواد شمشیری، امیر شهنام، نعمت الله شیخ سقا، خلیل شبخیانی، کریم شیخی شتان، غلام علی شیردل، اکبر صابری، حسن صادقی نژاد، جواد صالحی،علی صدیق، علی رضا سلطانی، کورش سلطانی، عبدالله صیادی، عباس طالب پور، سید جمال عارف زاده، غلام رضا عالی پور، زهره عالی نسب، نرجس عباسپور، حسین عباسی، محمد باقر عباسی سملی، حسن عبدالهی، عبدالرسول عرب زاده، محمد رضا عزیز پور، فاطمه عطری، رضا علی پور، راضیه عقیلی مهر، ناصر علی خواه، قاسم غریب زاده، ابوذر غلامی، محمد غلامی، حسن غلامی نژاد، سید رضا فاطمی، اسفندیار فتحی،فرهاد فرض، خضر فرهانی بابک فقیه، خورشید فقبه، مهران فقبه، احمد فکر اندیش ، محمد جواد فولادی، محمد رضا فولادی، زهرا فولادی هلیله، فتح الله قاسمی، ناصر قاسمی، سعید قائدی، عبدالجبار قائدی، قاسم قائدی، غلام علی قاضی زاده، مجید قره باغی، محمد قدسی، عوض قلی پور، غلام حسین قلی پور، منوچهر قیصی زاده، یونس قیصی زاده، محسن کارگر، معصومه کاشفی، ولی الله کاکی زاده، خدارحم کرم زاده، مهری کرمی، بهاره کریمی نیا، غلام رضا کشاورز، ناصر کشاورزی، نجف گرگین، ابراهیم گرمساری، سید موسی گلستانه، امین گنبدی پور، نعمت الله گنبدی پور، نوید گنبدی پور، ابوالحسن گنخکی، حسن لاوری، مرتضی مبارکی، شاپور مجاهدی، محمد محبوبی، سید ضیا محمدی، علی محمدی، اردشیر محمدی باغملایی، صدرالله محمدی باغملایی، قاسم محمدی باغملایی، رضا محمودی، عباس مرادی، مرضیه مرتب، آتنا مرکزی، سید جعفر مصطفوی، احمد مطهری، رضا معتمد، محمد ملاکی، حسام منصوری، محمود منصوری، مهدی منصوری، حسین منور صادقی، مهدی موجی، خلیل موحد، مسلم موحد، وحید موحد، حمید موذنی، نگار موذنی، سید صادق موسوی، سید علی موسوی، سید موسی موسوی، رضا مهدیان، نیما مهر پویا، محمد میرزایی، احمد نوروزی، حسین نوروزی نژاد، اکبر نهاری، زهرا ولایتی، عبدالمجید هاشمی، علی رضا هاشمی، یزدانبخش هنری، زیبا هوشیار، جهانشیر یار احمدی، غلامرضا یرشی، طاهر یزدان پناه، رقیه یوسفی.

مقاله ۵
شماره ۸۲۰ یکشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

مسئولیت اجتماعی و انسانی، اولویت چندم وزیر نفت است؟

وحید موحد



وزیر نفت پس از گذشت سه سال از عمر دولت تدبیر و امید بالاخره پا در فضای اجتماعی بوشهر گذاشت و خود شخصا از این استان پول ساز برای وزارتخانه اش و دولت دیدن کرد.

نقطه عطف در این سفر، سخنان ایشان درباره مسئولیت های اجتماعی صنایع نفت و گاز در استان بوشهر و برخی از مسائل سازمانی و صنفی مغفول بود که در پی برگزاری نشستهایی و همچنین مطالبه گری برخی از فعالان مدنی و مسئولان استانی مطرح شد.

یکی از فرازهای ستایش برانگیز سخنان ایشان درباره طرح اقماری نیروها و شهرک سازی ها بوده است که اینگونه مخابره شده است:

«برنامه ای برای ادامه شهرک سازی نداریم و نیروهای ما در شهرها مستقر خواهند شد و طرح اقماری نیروها نخواهیم داشت. من مخالف جدا شدن شهرک ها و محیط پیرامونی هستم و این کار را متوقف کرده ایم.

مسئولیت اجتماعی نفت با دستور یک وزیر درست نمی شود، بلکه وقتی جمعیت نفت در همین شهرهای کنونی ساکن شد و قاطی مردم منطقه شدند، برای اینکه کیفیت زایشگاه، بیمارستان و مدرسه برای خودشان بهتر شود، به طور طبیعی توسعه اجتماعی نیز دنبال می گردد.»

«سیاست وزارت نفت ایجاد شهرکهای داخل فنس و ساخت منازل سازمانی نیست بلکه معتقدیم کارکنان نفت باید در کنار مردم زندگی کنند.»

وی همچنین در این سفر به موضوع حذف نزدیک به مطلق زنان در استخدامی های صنایع نفت و گاز اینگونه اشاره کرده است:

«در ابتدای کارم در وزارت نفت ورود بانوان به دانشگاه صنعت نفت ممنوع بود که برای جلوگیری از تبعیض جنسیتی آن را لغو کردم. بخشنامه عدم تبعیض جنسیتی در استخدام ها جز سکوها و پالایشگاهها نیز صادر شده است.»

طرح این موارد و دیگر سخنان بیان شده درباره ضرورت توانمندسازی و آموزش و همچنین بهره گیری حداکثری از نیروهای بومی، بهره گیری اقتصاد پیرامونی از صنایع و گردش های مالی آنها و... توسط زنگنه اگرچه بسیار مثبت است اما اینکه همین ها چقدر در نظر وی دارای اولویت است و در عمل وی و مدیران وزارتخانه و شرکتهای اصلی تابعه نفت، وقت و انرژی و منابع صرف آن می شود و نمود عملی آن در سال آخر دولت دیده خواهد شد متاسفانه محل تردید جدی است مگر اینکه مدیران و نمایندگان و نخبگان استان برای پیگیری این حرف ها برنامه ای بسیار جدی و قوی داشته باشند و زودتر از اینکه عطش وزیر فروکش کند و این حرفها به حاشیه حافظه اش رود، از حافظه خود مدیران و نمایندگان و نخبگان و مردم استان نرود و عطششان برای تحقق آنها فروکش نکرده باشد!

در میان این برنامه های سفر یک روزه و سخنان وزیر اما آنچه سوال برانگیز و غیرقابل پذیرش است جای خالی مسئله محیط زیست به عنوان یکی از مهمترین وجوه مسئولیت اجتماعی صنایع نفت و گاز، و همچنین جای خالی مسئله های صنفی کارگران خود این صنایع بود. و بیان این نقد و تلنگر جدی لازم است که در حالی که حتی نماینده بانوان و فرهنگیان و... در جلسه هم اندیشی وزیر نفت با فعالان اقتصادی و اجتماعی، تریبونی برای سخن گفتن در حضور ایشان پیدا کرده اند -که البته امر نیکویی بوده است- اما گویا در این نشست و بقیه برنامه های سفر ایشان، هیچ خبری از کارگران خود این صنعت و از فعالان محیط زیستی و اهالی ای که چسبیده به این صنعت زندگی و تنفس می کنند و... نبوده است! و برای طرح هزار و یک درد و دغدغه ی ناشی از تبعیض و استثمار و بی سامانی و بی مسئولیتی که جسم و جان و روان و زیستن هر روزه ی آنها را به بازی گرفته، گوشی برای شنیدن وجود نداشته‌است.

و همین جاست که آن تردید درباره حتی همان چیزها که در این سفر مجال طرح شدن یافته اند نیز جدی تر می شود و این پرسش پیش می آید که به واقع مسئولیت اجتماعی و انسانی برای وزیر نفت و وزارتخانه اش چقدر جدی و عمیق و همه جانبه است و اولویت چندم وی و مدیران ایشان است؟!

پی نوشت: متن سخنان وزیر نفت از خبر منتشره در سایتهای خلیج فارس و نسیم جنوب نقل شده اند.

http://pgnews.ir/module/news/۱۱۳۵۷۱

http://www.nasimjonoub.com/fa/posts/۲۱۵۰۲۱

بحران مدیریت یا بحران مدیران؟

مرتضی رضائی

تصویر نخست: دکتر محسن رنانی در یکی از سخنرانی هایش چنین می گوید: «اقتصاد عملا در یک بن بست رکودی قرار گرفته است که خروج از آن با راه های مرسوم و سیاست‌های معمول اقتصادی توسط دولت امکان پذیر نیست. گیر اصلی اقتصاد ما عدم اطمینان‌ها و بی‌ثباتی های سیاسی و کلان و تنش‌های خارجی است که موجب بی‌افق شدن اقتصاد ما شده است. و برای حل این مسأله نیز باید نظام سیاسی همت و قیام کند و کاری از دست دولت ساخته نیست».

وی در فراز دیگری از سخنان خود می گوید: «اولین اقدام نظام سیاسی باید اعلام آشتی ملی برای تمام حوادث و اختلافات سال های اخیر که موجب شکاف و نقار در فضای سیاسی و اجتماعی ما شده است باشد. گام دوم نیز اعلام عفو عمومی است به طوری که هر ایرانی که شاکی خصوصی ندارد شامل عفو شود و بسیاری از ایرانیان خارج از کشور بتوانند بازگردند و سرمایه به ایران بیاورند. این اقدامات باید با این قصد باشد که همه افراد این برداشت و احساس را به دست آورند که کشور دارد به سوی یک افق با ثبات و به سوی آینده ای روشن و متحد حرکت می کند. من امیدوارم همه فعالان سیاسی ارشد کشور به خطیر بودن شرایط پی ببرند و عزمی برای ایجاد اتحاد ملی برای خروج از رکود فراهم شود.» (تیرماه ۹۵/روزنامه شرق)

تصویر دوم: رئیس کل بانک مرکزی گفت: «انتظار داریم در سال جاری نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به ۵ درصد برسد». ولی الله سیف در اجلاس گروه منطقه‌ای سیانزا که در نپال در حال برگزاری است، در سخنرانی رسمی خود با اشاره به تغییرات بازارهای منطقه ای پس از بحران های جهانی گفت: «بانک مرکزی ایران با مهار موفقیت آمیز انتظارات تورمی توانست فرایند کاهش ملایم تورم به سمت نرخ تک رقمی را پیش ببرد و همزمان رشد اقتصادی را مثبت کند. وی تصریح کرد: وجود ارتباط درونی بازارهای مالی این ضرورت را ایجاب می کند که همکاری های منطقه ای و جهانی با هدف مقابله با بحران های مالی تقویت شوند». (شهریورماه ۹۶/ خبر آنلاین)

تصویر سوم: رئیس مجلس در دوازدهمین کنگره جامعه اسلامی مهندسین به مناسبت هفته دولت آمارهای تلخ و ناگواری از وضعیت کنونی ایران اعلام کرد. بنا به این آمار، رتبه های جهانی ایران در شاخص های پیش رو به قرار زیر است: «نرخ بیکاری در بین ۱۰۴ کشور رتبه ما ۸۲ است و در نرخ تورم بین ۱۸۸ کشور رتبه ما ۱۸۰ می باشد. در آزادی اقتصادی در بین ۱۷۸ کشور رتبه ما ۱۷۱، سرانه تولید ناخالص داخلی از بین ۱۸۵ کشور ما رتبه ۹۴، انحراف از بودجه عمومی در بین ۱۴۰ کشور ۷۳، سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بین ۱۸۱ کشور ۱۶۴، مالکیت معنوی در بین ۱۴۰ کشور رتبه ۱۳۰، دسترسی به آخرین فناوری‌ها از بین ۱۴۰ کشور رتبه ۱۱۱ و همچنین از نظر جذب استعدادها از بین ۱۴۰ کشور رتبه ۱۳۴ می باشد. آخرین آمار هم مربوط به همکاری دانشگاه و صنعت است که ایران از بین ۱۴۰ کشور در این زمینه رتبه ۱۰۲ ایستاده است». (شهریور ۹۵/سایت دمادم)

تصویر چهارم: «به اعتقاد مدیر طرح ملی تغییر آب و هوا، بدون شک پدیده ی تغییر اقلیم در ایران نیز در حال وقوع است. به گفته ی وی ناهنجاری های اقلیمی مانند طوفان ها، خشکسالی های بلندمدت و رونددار بودن تغییرات دما و بارش در کشور نشان دهنده ی عمق اثرات تغییر اقلیم است و تنها افزایش سطح آب دریاها نشانه ی تغییر اقلیم نیست بلکه به مفهوم واقعی می توان نشانه هایی از این پدیده را در کشور مشاهده کرد. ناصری در بخش دیگری از اظهارات خود از رشد روزافزون بیابان ها، تغییر الگوی بارش کشور، از بین رفتن یا کاسته شدن قابل ملاحظه ذخایر برفی مناطق کوهستانی و یخچالی، افزایش دما و روند کاهشی مقدار بارش را فاکتورهای روشن و معناداری دانست که ضمن وقوع همزمان، همگی با حرکت در جهت منفی نشان از وقوع پدیده ی تغییر اقلیم دارند». (تیرماه ۹۳/خبرگزاری جمهوری اسلامی)

موضوع از چه قرار است؟ چهار تصویر بی ربط فوق چه ارتباطی با هم و چه ارتباطی با موضوع دارند؟ با فرا رسیدن هفته دولت در شهریورماه سال جاری، هیئت دولت به دفاع تمام قد از عملکرد خود پرداخته و با اعلام وضعیت کشور در نقطه صفر آغاز به کار روحانی و کابینه اش و وضعیت کنونی، ظفرمندانه و پیروزمنشانه، درفش افتخار افراخته اند و بر طبل غرور را نواخته اند. هر کجا می روند سربلندند و مغرور که آن ناجی موعود و غالب منصور همانا ما بودیم و اینک این کارنامه ی ما و بهشت شما. خرده ای بر این رویه نیست. چرا که تا بوده چنین بوده. این دولت هم الحق باید گفت با همه اعوجاج و کج بودنش که حرف رئیس و وزیرش با هم دوتاست و رئیس چیزی می گوید و وزیر کاری دگر می کند، موفق تر از دو دولت قبل از خود ظاهر شده و با دستان نسبتا خالی توانسته در این بد احوالی، کاری کند و باری بردارد. اما متأسفانه این همه قضایا نیست.

این نحوه ورود دولت و دولت مردان به بر شمردن مفاخر، نه نشان از صرف تبلیغاتی بودن کارشان دارد، بلکه به صورت بنیادین ریشه در دیدگاه حاکم بر دولت و بدنه دولت و مدیران ارشد و میانی آن دارد. هر کوی و برزن می نگری، البته که می بینی و می خوانی و می شنوی که دولت در عرصه اقتصاد ویرانه و خاکستر تحویل گرفته و امروز توانسته توفیقات بسیاری به دست آورد. اما دریغ از ارائه آمار و ارقامی در زمینه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه! این آمارگویی ها که به رجزخوانی های قبل از منازعه انتخابات که به نظر می رسد منازعه بسیار گرم و برافروخته ای هم خواهد شد، شبیه است، حکایت از نگرش نهادینه شده در دولت دارد که اقتصاد اول و قبل از هر چیز باید حل شود. اما آیا به راستی چنین است؟

باید در پاسخ گفت که خیر! چنین نیست! دولت نمی تواند مشکلات اقتصادی ساختاری در ایران را صرفا بر حسب راه حل های اقتصادی حل کند. تصویر یک و سخنان رنانی در این خصوص را خواندید. رنانی به عنوان یکی از مهم ترین نظریه پردازان اقتصاد سیاسی در سال های اخیر، دولت را از تلاش برای حل مشکل اقتصاد ایران از طریق راه حل های صرف اقتصادی تحذیر می دهد و از او می خواهد که عمده تلاش خود را صرف حل مناقشات سیاسی و اجتماعی بازمانده از چهار دهه پیش تا کنون نموده و با حل مشکلات سیاسی، فضای نفس کشیدن برای اقتصاد و رشد و بالندگی آن فراهم کند. رنانی در فرازهای دیگری از سخنان سال های گذشته اش هشدارهایی مهم و تکان دهنده می دهد: «این کاهش درآمد نفتی، با ثبات خواهد بود. با صادرات ۱/۴ میلیون بشکه در روز دولت حداکثر ۲۵ میلیارد دلار درآمد نفتی خواهد داشت؛ یعنی معادل ۷۰ هزار میلیارد تومان درآمد ریالی. درآمدهای مالیاتی دولت هم در خوشبینانه‌ترین حالت حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. پس این دو قلم درآمد اصلی دولت می‌شود ۱۵۰هزارمیلیاردتومان. از سوی دیگر دولت ۴۵ هزار میلیارد تومان باید یارانه بدهد، ۸۰ هزار میلیارد تومان باید حقوق و دستمزد بدهد و ۲۵ هزار میلیارد تومان هم باید به صندوق‌های بیمه بازنشستگی برای پرداخت حقوق بازنشستگان کمک کند. پس ۱۵۰ هزار میلیارد تومان همین سه تعهد دولت هزینه دربردارد. پس کل درآمد نفتی و مالیاتی دولت می‌رود بابت حقوق و یارانه. پس دیگر دولت در ایران حتی نمی‌تواند اگر آسفالت جاده‌ای کنده می‌شود، درست کند یا یک پل احداث کند. بنابراین سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صفر می‌رسد. به فرض اگر با عربستان هم روابط را بهبود ببخشیم و این کشور را به کاهش تولید و عرضه نفت متقاعد کنیم، حداکثر نفت به ۶۰ دلار خواهد رسید. این یعنی درآمد دولت از محل درآمد نفت نهایتا به ۱۵ هزار میلیارد تومان افزایش می‌یابد که باز هم چیزی تغییر نمی‌کند. بنابراین اتفاقات جاری بازار نفت به مفهوم پایان مدیریت دولت در عرصه توسعه است. حالا دولت برای شش میلیون بیکار چه می‌خواهد بکند؟ با هزاران پروژه ناتمام که اتمام آنها حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه می‌خواهد، چه می‌کند؟ دولت با سالی یک میلیون متقاضی کار جدید چه می‌کند؟ با بحران آب و بحران زیست محیطی چه خواهد کرد؟ با ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی معوقه به بخش خصوصی که بخش خصوصی را زمین‌گیر کرده می‌خواهد چه کند؟ با صدها هزار واحد ناتمام مسکن مهر که اتمام آنها ۱۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه می‌خواهد چه کند؟ بنابراین اگر دولت بتواند شرایط را به‌گونه‌ای مدیریت کند که این مشکلات به بحران تبدیل نشوند خودش یک شاهکار است و باید دستش را بوسید».

از سوی دیگر رئیس بانک مرکزی با اعلام رشد ۵ درصدی برای سال جاری، می رود تا باریکه امیدی در دل ها برای پایان رکود به تصویر کشد. اما باز بانگ رنانی است که از راه می رسد: «این سه تا پنج درصد از رشد سالانه کشور ما طبیعی است و خروج از رکود محسوب نمی‌شود؛ چون سالانه حدود پنج درصد بر جمعیت نیروی کار ما افزوده می‌شود؛ یعنی اگر دولت هیچ اقدامی نکند، هیچ تسهیلاتی ندهد و بگذارد اقتصاد کار خود را انجام دهد، به طور طبیعی با رشد سالانه پنج درصدی نیروی کار باید پنج درصد رشد اقتصادی داشته باشیم. پس رشد اعلام‌شده الزاما ناشی از سیاست‌های خروج از رکود نیست. ما با همین ظرفیت‌های موجود در کشور تا دو برابر حال حاضر می‌توانیم اشتغال ایجاد کنیم. شهرک‌های صنعتی با ۳۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند؛ یعنی اگر با صددرصد کار کنند اشتغال در شهرک‌ها سه برابر می‌شود. ولی بازسازی این ظرفیت‌ها نیازمند بهبود فضای کسب و کار و ثبات شرایط سیاسی است. شکست دولت یازدهم، شکست آقای روحانی نیست، شکست آخرین فرصت‌های ملی ماست. فرصت دیگری برای آزمون و خطا نداریم. من به رغم اینکه با برخی از سیاست‌های دولت یازدهم موافق نیستم و به بازی‌نگرفتن طیف گسترده صاحب‌نظران و اقتصاددانان برای نجات اقتصاد را نقطه ضعف دولت می‌دانم ولی معتقدم باید تلاش کنیم این دولت موفق شود».

پس دو تصویر نخست در ارتباط با یکدیگر در رابطه ای تنگاتنگ هستند. کماکان ایران در شرایط رکود اقتصادی به سر می برد و رشد ۵ درصدی که به نظر می رسد سقف توانایی های دولت در شرایط کنونی است و پیش بینی ها حکایت از توقف رشد در همین حد می کنند، نمی تواند رکود ایران را خاتمه ببخشد.

اما ما خطرات جدی تری در پیش داریم. خطراتی که بنا به آمار و ارقام و پیش بینی ها حیات فلات ایران را با مخاطرات جدی مواجه کرده است: تغییر اقلیم و خشک شدن خاورمیانه و ایران. با خشک شدن دریاچه ارومیه ناگهان پرده های ضخیم جهالت و غفلت از پیش چشم همگان فرو ریخت و صحنه های هول انگیزی از عاقبت ما و سرزمین چند هزار ساله ما پیش چشم آمد. زمین شناسان و اقلیم شناسان یکی پس از دیگری بانگ هشدار برآوردند و تا به امروز نیز دست از هشدار بر نمی دارند. خطری جدی در کمین است که دیگر تنها بر کاغذ و در تئوری نیست؛ بلکه به قاطعیت می توان گفت عموم مردم ایران این خطر را با همه وجود خود احساس می کنند. گرمایش زمین و خشک سالی، اسباب پدید آمدن بحران های فزاینده زیست محیطی شده و به هم اکنون طلیعه جنگ آب نیز از راه رسیده و اخبار بسیار نگران کننده ای از گوشه و کنار ایران به گوش و چشم می رسد.

اما باز این همه داستان نیست. عمق فاجعه آنجا پیدا می شود که نظام سیاسی ایران که با ولع سیری ناپذیر همه ارکان تصمیم گیری را قائم به ذات خود کرده و جایی برای جولان جامعه مدنی فراهم نیاورده است، خود دارای چنان ضعف های عمیق و شدید ساختاری است که با کمال تأسف باید گفت نخستین رکنی که نیاز به عمل عاجل و جراحی کامل دارد، خودِ دولت و بدنه تصمیم گیر و تصمیم ساز است. آمار ارائه شده توسط دکتر لاریجانی نشان می دهد که دولتی که باید این معضلات هولناک را حل کند خود چونان بیمار محتضری است که رو به قبله افتاده و بانگ اشهد و تشهد آن برخاسته.



دولت بنا به این آمار در همه شاخص های حیاتی یک نظام تصمیم گیر، زمین گیر شده و در رتبه بندی های جهانی در قعر جداول قرار گرفته است. این در حالی است که ما برای عبور از این بحران های ریشه سوز به دولت سراپا، سالم، چابک و کارآمدی نیز داریم که بتواند با تجمیع و بسیج منابع مشکلات را مرتفع کند. اما دولت در ایران خود بخشی از مشکل و نه بخشی از راه حل است.

به سخنان نخست دکتر رنانی باز می گردیم که راه حل های سیاسی را مقدم بر راه حل های اقتصادی برای عبور از این بحران ها معرفی می کند. در حالی که دولت و دیدگاه نهادینه شده در دولت و بدنه اش، هیچ برنامه ای برای حل مناقشات سیاسی باز مانده و انباشته شده از چهار دهه پیش تا کنون ندارد. دولتی که با عدول مداوم از خود و شعارهای خود در مقابل مخالفان با نفوذ برگزاری یک کنسرت هم راه به جایی نمی برد. مادامی که دولت به این فهم نرسد که برای خروج کشور از این وضعیت نیازمند حل بحران ناکارآمدی و بحران مشروعیت ریشه دوانده در ساخت سیاسی ایران است، سایر معضلات راه حلی نخواهند یافت. ما در این سه سال هیچ عزمی از سوی دولت برای اصلاح قانون انتخابات، قانون مطبوعات، قانون احزاب، حقوق شهروندی، جرم سیاسی، مبارزه ساختاری با فساد و مسائلی که به چابک سازی و سالم سازی خود دولت و نهاد حکومت مربوط است ندیده ایم. آنچه هم که به تصویب و انجام و سرانجام رسیده مثل جرم سیاسی، هیچ شور و شوق و احساس امنیتی بر نمی انگیزد و هیچ سیگنال مثبتی به آنان که مخاطب اصلی این قانون هستند ارسال نمی کند که زین پس قانونی آمده و شما در پناه این قانون ایمن خواهید بود. بلکه برعکس! در زمان حیات دولت روحانی قانونی در این باره به تصویب می رسد که خود مجددا مشکلات این حوزه را کورتر و ناگشودنی تر می کند.

این ضعف اساسی و بنیادین حاکم شده در دولت، ناشی از این دیدگاه است که حکمران خوب، خوب حکمرانی خواهد کرد و مشکلات را یکی پس از دیگری رستم وار حل می کند و در هم می شکند. اما این انگاره ای غیر مدرن است. در دنیای کنونی حکمرانی خوب مسئله است، نه حکمران خوب! تأکید دولَت و همچنین جامعه مدنی بر این که مدیران عوض شوند نه نحوه مدیریت، هیچ دست آورد پایداری برای ایران در تهاجم فزاینده مشکلات خانمانسوزی که حیات این فلات را به مخاطره انداخته است به ارمغان نخواهد آورد. ما نیاز داریم که حکمرانیِ ما بهبود پیدا کند و این جز از طریق نوشتن قوانینِ تازه در زمینه های فوق الذکر ممکن نخواهد شد. آیا ایران ما از این سیر نزولی نابخردی نجات خواهد یافت؟

مشاور استاندار بوشهر:

مرحله دوم طرح امید اجتماعی بصورت بومی و بر اساس مشکلات هر منطقه اجرا خواهد شد

مشاور استاندار بوشهر گفت: اجرای طرح امید اجتماعی باعث آشنائی بیشتر کارشناسان و اساتید با مسائل و مشکلات اجتماعی استان بوشهر شده است.

به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، یونس قیصی‌زاده در کارگاه تربیت مربی مرحله دوم طرح امید اجتماعی اظهار داشت: یکی از نتایج اجرای مرحله اول طرح امید اجتماعی در استان بوشهر این بود که کارشناسان و مربیان این طرح ضمن اینکه مفاهیم شهروندی و مسئولیت پذیری اجتماعی را در نقاط شهری و روستائی آموزش دادند، توانستند بطور مستقیم با لایه‌های مختلف جامعه روبرو شده و درک بهتری از مسائل و مشکلات اجتماعی استان بوشهر را بدست آورند و به عبارتی انتقال مفاهیم دو طرفه روی داد و این زمینه را فراهم کرده که مربیان با مسائل و مشکلات اجتماعی در این لایه‌ها و اقشار مختلف آشنا شوند.

مشاور استاندار بوشهر افزود: تجربه بدست آمده از مرحله اول اجرای طرح امید اجتماعی که باعث شد بیش از ۲۰ هزار نفر از ساکنان نقاط شهری و روستائی استان بوشهر در آن مشارکت کنند، باعث شد تا در اجرای مرحله دوم این طرح، تاکید بر روی ارائه آموزش‌ها بصورت بومی و بر اساس مشکلات هر منطقه باشد و باید این فرصت را مغتنم شمرد و اینکه کارشناسان و اساتید دانشگاهی استان، این گونه با حضور در روستاها و شهرها، می توانند درک بهتری از مسائل و مشکلات اجتماعی استان بدست آورند، قطعا به ارائه راه حل های بومی و منطقه ای توسط آنان در برنامه ریزی های اجتماعی و مقابله با آسیب های کنونی جامعه کمک می کند.

قیصی‌زاده که در کارگاه آموزشی تربیت مربی ویژه طرح توان‌افزایی و ارتقا تاب‌آوری اجتماعی زنان سخن می گفت، ابراز داشت: خوشبختانه در مرحله اول طرح امید اجتماعی که در فصل آخر سال گذشته در استان انجام گرفت، شاهد استقبال خوبی از سوی مردم بودیم که با استقبال گسترده و همچنین نتایج خیلی خوبی که بدست آمد، استاندار بر روی ادامه این طرح تاکید نمود و با جلسات برگزار شده، امیدواریم که اجرای فاز دوم با کیفیت و دقت بیشتری دنبال شود.

وی با بیان اینکه آسیب‌شناسی فاز نخست در حال انجام است، افزود: فاز دوم طرح امید اجتماعی در ۱۰ مرحله در حال آماده‌سازی برای اجرا با کیفیت بیشتر است.

گل گل



حیدر عرفان: پیشباز از شعرنامه «صفای بعد هر باران» در سنجه ی چادانه ی استاد مهندس ادیب جناب حبیب اله نگهبان

شادان گل گل، چهره و پیکر گل گل
نازان گل گل، و ناز دلبر، گل گل
سامان گل گل زخامه ی گلریزان
شایان گل گل نرگس و سعتر گل گل

یا: گلاب «قُمسر»

واژه نام «قمصر **QAMSAR**، مانند پاسارگاد/ پازارگاد» و طلحه

و بسیاری از نامگذاری ها، نادستور بوده بدور از رواداری به جای پارسکاد/پارسکان/پارسکده): شهر پارسی یادمان «کورش هخامنشی/کیانی/اَنشانی در برداشت «بزرگمنش» بوده است.

این شهر تختگاهی- خاندانی پس از پیروزی کورش دوم بر نیای مادری خویش در سرزمین «ماد نامیده» به پایتختی «اکباتان/ هگمتان هگمتانه/ همدان» این سرزمین را به «پارس نیایی» (استان بوشهر کنونی) پیوند زد..



یادداشت جهانشیر یاراحمدی به مناسبت درگذشت داود رشیدی؛

داود رشیدی و تئاتر بوشهر

در آن تابستان گرم که شرجی از سر و کول بوشهر بالا می‌رفت. طیاره‌ای در بوشهر به زمین نشست که دو هنرمند تنومند تئاتر کشور مسافرش بودند. آنها با عنوان کارشناس تئاتر، وارد بوشهر شدند. مستقیم به «خانه هنر» رفتند تا نمایش «قلندرخونه» را به روایت امروزی‌ها بازبینی کنند.

خبر کوتاه بود و غم‌انگیز؛ هنرمند خوش‌نام تئاتر و سینما، داود رشیدی چشم از جهان فروبست. در خلوت و تنهایی به او فکر می‌کنم. به مجله پاراگراف زل می‌زنم که او بر جلدش نقش بسته، به عمر هنری‌اش، بازی‌هایش. به «پیروزی در شیکاگو»، به «در انتظار گودو»، «ریچارد سوم»، «منهای دو» و.....و مهم‌تر از همه به عشق و علاقه‌اش به تئاتر استان‌ها و فعالان تئاتر شهرستان ها. به مرور تاریخ می‌پردازم. به تاریخ تئاتر بوشهر، می‌خواهم رد پای رشیدی را پیدا کنم. چه رد پای درخشانی:

به روایت تاریخ، تئاتر بوشهر، عمری تقریبا هشتاد ساله دارد. هر چند چهار دهه دوم، یعنی از دهه چهل به این سو، رویدادها و حوادث تئاتری جدی‌تر و حرفه‌ای‌تر دنبال شده است، اما چهار دهه نخست، سرشار از اتفاقات مهم سیاسی، اجتماعی است که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت؛ به ویژه این که نام و نشان بزرگانی چون زنده‌یاد منوچهر آتشی در میان باشد. از دهه چهل شمسی به واسطه فعالیت دبیران خوش‌ذوق مدارس بوشهر، هنرمندان محصل، هنر خود را در سطح ملی مطرح کردند. اردوهای دانش‌آموزی در شمال کشور، نخستین محفلی بود برای حضور هنرمندان تئاتر بوشهر و شکوفایی استعداد آن‌ها. اما در قالب تئاتر آماتور و حرفه‌ای، هیچ نام و نشانی در تئاتر کشور نداشتیم. اگر چه در شهر بوشهر نمایش‌های متعدد با استقبال شورانگیز مردم اجرا می شد، اما گستره‌ی اجرا در سطح استان باقی می‌ماند. این روند تا اواسط دهه ۵۰ ادامه پیدا کرد. دقیق‌تر، تابستان ۱۳۵۴.

پیش از تشریح ماجرا باید بگویم، تئاتر بوشهر یک ویژگی تاریخی دارد که سایر استان‌ها ندارند. ویژگی این است که معرفی تئاتر بوشهر به تئاتر ایران و جهان هم‌زمان رخ داده است. روشن‌تر آن‌که، شهری که پیش از آن، هیچ نام و نشانی در تئاتر کشور نداشت به یک‌باره هم خودش را به تئاتر کشور معرفی کرد و هم به واسطه حضور بزرگان تئاتر جهان در ایران، خودش را به تئاتر جهان.



به روایت تاریخ، این معرفی آن قدر درخشان بود که ستایش بزرگان تئاتر جهان را برانگیخت و دری رو به تئاتر بوشهر گشود که هنوز پس از گذشت چهار دهه تئاتر بوشهر از همان در دیده می‌شود. این اشاره کوتاه را بیان کردم تا به نقش داود رشیدی در این معرفی برسم.

در آن تابستان گرم که شرجی از سر و کول بوشهر بالا می‌رفت. طیاره‌ای در بوشهر به زمین نشست که دو هنرمند تنومند تئاتر کشور مسافرش بودند. آنها با عنوان کارشناس تئاتر، وارد بوشهر شدند. مستقیم به «خانه هنر» رفتند تا نمایش «قلندرخونه» را به روایت امروزی‌ها بازبینی کنند.

یکی از این دو نفر «عباس جوانمرد»، کارگردان مطرح تئاتر کشور بود و دیگری «داود رشیدی» تحصیل‌کرده و بازیگر تئاتر.

در آن روز گرم، این دو بزرگ‌مرد، تئاتر را دیدند و همان لحظه زبان به ستایش‌اش گشودند و مسیر را برای حضور تئاتر بوشهر در جشن هنر فراهم کردند. حضوری که باعث شد، تئاتر بوشهر به ایران معرفی شود؛ تئاتر بوشهر به جهان معرفی شود؛ پای تئاتر شهرستان برای اجرای عموم به تهران باز شود. (چون بعد از اجرا در جشن هنر، قلندرخونه، ۶۰ شب در تهران اجرا رفت. ۳۰ شب در سالن اصلی تئاتر شهر و ۳۰ شب در تالار سنگلج) و مهم‌تر از همه این‌ها، انقلاب تئاتری که قلندرخونه آغازش کرد، باعث تغییر نگاه مرکزنشینان به تئاتر شهرستان‌ها شد و از آن پس، جور دیگری به هنرمندان استان‌ها نگاه می‌کردند و از سوی دیگر خود هنرمندان شهرستانی نیز به درجه‌ای از اعتماد به نفس و خودباوری رسیدند که در ادامه نتیجه‌اش شد خلق آثار درخشان در استان‌های کشور.

با این اشاره، می‌خواهم تاریخ را بازخوانی کنم. البته بهتر است بگویم معکوس‌خوانی کنم.

اگر در آن تابستان گرم در بوشهر، داود رشیدی به اجرای قلندرخونه، نه می‌گفت و دبیرخانه جشن هنر می‌گفت کار به درد نمی‌خورد، تاریخ چگونه برای ما و تئاتر ما ورق می‌خورد؟ باید تمرکز کرد و اندیشید به این نکته و حرف استاد صغیری را در مراسم دو سال پیش در هفته بوشهر به یاد آورد. روزی که دقایقی از قلندرخونه بعد از سی‌وهشت سال، مجددا در حضور داود رشیدی، اکبر زنجانپور و داریوش ارجمند اجرا شد، صغیری صادقانه گفت: «اگر داود رشیدی نبود، معلوم نبود امروز در تاریخ تئاتر این شهر و این کشور نامی از قلندرخونه باقی می‌ماند. بنابراین اگر امروز اینجائیم، اگر قلندرخونه نام و نشانی دارد، اگر تئاتر بوشهر حرفی در کشور دارد، بدون تردید مدیون نگاه مثبت داود رشیدی است.»

بنابراین این نگاه و تاثیر در تاریخ تئاتر این دیار، همیشه زرین خواهد ماند. درود استاد رشیدی.

دیدن نمایش قلندرخونه و سپس اجرا در شیراز و اجرای شصت روزه‌اش در تهران، نام ماندگاری از تئاتر بوشهر و ایرج صغیری در ذهن داود رشیدی حک کرد. اشاره کنم که رشیدی برای اعزام این نمایش به هفده فستیوال بین‌المللی در اقصی نقاط جهان نیز تلاش کرد اما دستهایی فراتر از هنر مانع این کار شدند.

کنسل‌شدن سفرهای خارجی و اعزام به کشورهای اروپایی را خود داود رشیدی، تلفنی به صغیری اعلام کرد. با حسرت و ناراحتی. در یک صبح پاییزی. تلفنی حرف‌هایی به زبان آورد که عملا همه راه‌ها بسته است.

رشیدی تمام تلاش‌اش را کرده بود. اما کسانی لغو کرده بودند که در حیطه قدرت بودند و تلاش برای راضی‌کردن آن‌ها بی‌فایده بود.

این اتفاق اما باعث شد دوستی و رفاقت رشیدی و صغیری عمیق شود و چند سال بعد قبول کند، روبروی دوربین ایرج صغیری در نخستین تجربه سینمایی‌اش، فیلم «طفر» (سفر غریب) بازی کند. که خود این فیلم سرشار از اتفاقات تلخ و شیرینیست که در فرصتی دیگر باید گفت.

رشیدی علی‌رغم این‌که پس از انقلاب در فیلم‌های متعدد سینمایی و تلویزیونی بازی کرد، اما دغدغه تئاتر لحظه‌ای رهایش نکرد. همواره خودش را تئاتری می‌دانست و برای تئاتر تلاش می‌کرد. به ویژه برای تئاتر استان‌ها. در همین دهه هشتاد با جوانان جویای نام تئاتر کشور مراوده و رابطه صمیمانه داشت. نیما نعمتی‌زاده عزیز (که هر کجا هست خدایا بسلامت دارش) از خوبان تئاتر بوشهر نیز از خیل این مشتاقان بود که از این طریق جوانان بسیاری را حمایت می‌کرد و دست‌شان را می‌گرفت و اگر گرفتاری تئاتری داشتند، خاضعانه با مدیران تئاتر کشور مطرح می‌کرد و حل می‌نمود.

آخرین دیدارمان، اختتامیه اردیبهشت تئاتر ایران بود. سی‌ام اردیبهشت۱۳۹۴. قرار بود در آن مراسم از من به عنوان رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر تقدیر شود. چه سعادتی بود که در همان مراسم، مرکز هنرهای نمایشی مراسم تجلیل از وی را برگزار کرد. روی سن که آمد، همه ایستاده، اشک در چشم برایش دست زدند. بانوی برومندش همراهی‌اش می‌کرد. مثل همه سال‌های بیماری‌اش. به‌یاد روزهای اوجی افتادم که چه شاد بود و سراپا و استوار روی صحنه قدم می‌زد.

حالا دارم به پاراگراف نگاه می‌کنم، به تلاش‌هایش در هنر، به چهره ماندگاری که از خود به جا گذاشت.

قلمم را که زمین می‌گذارم به دریای نیلی بوشهر می‌گویم: حالا بازیگر توانای تئاتر ایران به یگانه کارگردان هستی رسیده است.

روحش آرام.

گزارش هفته تعاون استان بوشهر

اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر



تعاون، عرصه اقدام و عمل به اقتصاد مقاومتی

حمیدرضا پناه؛ مدیرکل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر به مناسبت هفته تعاون :

هفته تعاون را به تلاشگران و فعالان بخش تعاون تبریک عرض می کنم. امید است با هم افزایی و تعامل و با تعاون در راستای تحقق شعار امسال که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل نامگذاری گردیده است؛ گامهای مؤثر و مفیدی برداریم.

امروزه کارفرمای مطلق بودن دولتها یک نظریه منسوخ شده است. توجه زیاد به بخش خصوصی و شرکت های خصوصی فرصت را فقط به گروههای خاص و توانمند می دهد تا ثروتشان را بیشتر افزایش دهند اما اقتصاد تعاون فرصت را برای همه آحاد جامعه برای تولید ثروت فراهم می آورد و تعاون همچون دیدگاههای جدید اقتصادی که مبتنی بر توسعه انسان محور است از رویکرد توانمندسازی و هم افزایی گروهی دفاع می کند.

این رویکرد معتقد است پیوند بین عدالت و آزادی و برابری بر کانون انسان و قابلیت های او بنا می شود. بدین روی بر همگان است تا در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی بخش تعاون را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند.

تعاونی های تاسیس شده از ۹۴/۶/۱ تا ۹۵/۶/۱ به تفکیک شهرستان

شهرستان	تعداد	اعضا	اشتغالزایی
بوشهر	۲۴	۳۷۰	۳۵۱
تنگستان	۳۰	۲۶۶	۹۱۳
جم	۱۷	۱۱۹	۱۱۹
دشتستان	۴۳	۳۳۱	۱۲۲۵
دشتي	۲۳	۱۷۶	۲۵۳
دير	۲۶	۱۸۴	۲۶۲
ديلم	۳	۲۱	۲۱
كنگان	۱۹	۱۳۵	۳۴۵
گناوه	۲۲	۲۰۴	۴۰۰
مجموع	۲۰۷	۱۸۰۶	۳۸۸۹

تعاونی های تاسیس شده از ۹۴/۶/۱ تا ۹۵/۶/۱ به تفکیک گرایش

گرايش	تعداد	اعضا	اشتغالزايي
تامين نياز صنوف خدماتي	۱	۷	۶
چند منظوره	۲	۲۶	۲۹
حمل و نقل	۱۰	۱۱۸	۲۳۹
خدمات	۸۶	۶۳۱	۱۵۳۳
صنعتي	۴۷	۳۴۸	۱۰۵۴
عمراني	۶	۴۲	۱۲۶
فرش دستباف	۴	۲۸	۸۹
كشاورزي	۴۷	۳۹۶	۷۹۱
مسكن	۴	۲۱۰	۲۲
مجموع	۲۰۷	۱۸۰۶	۳۸۸۹

چکیده عملکرد مدیریت تعاون

۱-کمک به برپایی ۵ نمایشگاه توانمندی تعاونیها در استان با محوریت اتحادیه ها و تعاونیها و کمک به حضور تعاونیها در نمایشگاههای کشوری
۲-انعقاد تفاهمنامه با برخی از دستگاههای اجرایی استان (اعم از سازمان جهاد کشاورزی ، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری - صندوق کارآفرینی امید) جهت جلب حمایت آنان از تعاونیها و پیگیری تفاهمنامه های منعقده وزارت
۳-پیگیری جهت تشکیل تعاونی های مردمی و نوع جدید از قبیل توسعه و عمران شهرستانی به منظور تجمیع سرمایه ها و افزایش مشارکت مردمی در فعالیت های اقتصادی
۴- تولید و پخش برنامه سیمای تعاون به منظور ایجاد گسترش نگرش مثبت به تعاون و اقتصاد تعاونی و انتقال مفاهیم، دانش در مورد کسب و کار تعاونی
۵- تالیف ۳ عنوان کتاب در حوزه تعاون به منظور ترویج و توسعه مفاهیم و فرهنگ تعاون با همت مدیران و کارشناسان حوزه مدیریت تعاون
۶-انجام ۵ طرح تحقیقاتی با هدف آسیب شناسی مسائل و مشکلات مبتلا به تعاونیها و شناسایی ساز و کارهای توسعه بخش تعاون استان
۷- بررسی مسائل و مشکلات ۳۲ تعاونی در کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان
۸-تشکیل ۲ تعاونی تامین نیاز صنوف
۹-ارائه ۲۶۶۸۵ نفر ساعت آموزش های عمومی و تخصصی به تعاونگران استان
۱۰-تجلیل از ۷ تعاونی برتر استان با حضور قائم مقام محترم وزیر و مدیران استانی و معرفی ۲ تعاونی استان به عنوان تعاونیهای برتر ملی
۱۱-برگزاری همایش های آموزشی، ترویجی برای کارآموزان مراکز فنی و حرفه ای دهیاریها و مدیران واحدهای فن آور و تعاونیهای دانش بنیان
۱۲-برگزاری همایش آموزشی مدیریت برند و تبلیغات هدفمند - بهره وری - بازاریابی و صادرات برای تعاونیها
۱۳-برگزاری مسابقه انشاءنویسی در مدارس با هدف آشنایی نسل نوجوان و جوان با مفاهیم تعاون
۱۴-اجرای اولین جشنواره کتاب من در استان و برگزیده شدن یک نفر از استان در این جشنواره
۱۵-برگزاری جلسات ستاد عالی هماهنگی و توسعه تعاون استان
۱۶-تشکیل تعداد ۳۴ تعاونی در حوزه تعاون

تعاون الگوی اقتصاد سالم

با تعاون کار ایجاد کنیم تا به رفاه برسیم

اهم برنامه های هفته تعاون (۱۳ الی ۱۹ شهریور ماه)

- عطرافشانی گلزار مطهر شهدا و دیدار با خانواده های محترم شهدا
- حضور در نماز جمعه و ارائه برنامه ها و فعالیتها پیش از خطبه های نماز جمعه
- برگزاری یازدهمین جشنواره امتنان از تعاونیهای برتر استان و تجلیل از تعاونیها
- افتتاح پروژه های بخش تعاون
-برگزاری جلسات ستاد هماهنگی و توسعه تعاون در مرکز استان و شهرستانها
- برگزاری مسابقات مختلف ورزشی
- بازدید از تعاونیهای نمونه و موفق
- برگزاری رژه توسط تعاونیهای حمل و نقل در استان
- برگزاری نمایشگاه توانمندیهای بخش تعاون در سطح شهرستان
- رونمایی از تالیفات حوزه تعاون
- اهدا خون توسط تعاونگران



تعاونی ها جهان بهتری می سازند

اجتماعی
شماره ۸۲۰ یکشنبه ۱٤ شهریور ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

پیشنهاد عضو شورای بوشهر برای نامگذاری مکان عمومی به نام دکتر مصدق

در جلسه ۳۰۷ شورای شهر، الهام بارگاهی با اشاره به مردادماه و کودتای ۲۸ مرداد، یاد و خاطره دکتر مصدق را گرامی داشت و در نطق پیش از دستور خود، خواهان نام گذاری یکی از معابر و اماکن عمومی شهر به نام دکتر مصدق شد.
به گزارش نسیم جنوب، بارگاهی با ضمن اشاره به کارنامه موفق شورا در نامگذاری اماکن عمومی شهر، گفت: «یکی از مهم ترین کارهایی که در شورای کنونی به انجام رسید و بسیار هم حائز اهمیت است، نامگذاری کوچه ها و خیابان ها و اماکن عمومی بود که طی آن شأن و منزلت شهدا به نحو مطلوب و شایسته ای رعایت و لحاظ شد. اما بنده پیشنهادی خدمت اعضای محترم شورا دارم. دکتر مصدق یکی از مهم ترین شخصیت های ملی ماست که در مبارزه با استعمار انگلیس و امریکا، نقش بی بدیلی در تاریخ معاصر ایران ایفا کرده و اسوه دموکراسی و فرزند پاک میهن است. این شخصیت ملی ما، شخصیتی شناخته شده در عرصه بین الملل است تا آنجا که حتی در قاهره هم خیابانی به نام مصدق ثبت شده. جا دارد و به نظرم واجب است که خیابانی یا میدانی و یا پارکی در بوشهر به نام دکتر مصدق نامگذاری شود. با توجه به اینکه بوشهر نقش تاریخی مهمی در مبارزه با استعمار انگلستان داشته، تناسب زیبنده ای میان نام بوشهر و نام دکتر مصدق برقرار است. بنده پیشنهاد می دهم که شورای محترم شهر و شورای نام گذاری معابر این مهم را در نامگذاری خیابان ها و اماکن عمومی لحاظ کند و ترتیبی اتخاذ شود تا شأن دکتر مصدق در بوشهر ادا شود».

سازمان اتوبوسرانی یک سازمان ورشکسته است

به گزارش نسیم جنوب، اسدی درباره وضعیت اتوبوسرانی بوشهر بیان داشت: «سازمان اتوبوسرانی از نظر فنی یک سازمان ورشکسته است. در دوره شهردار فعلی حدود ده میلیارد تومان از بدهی های این سازمان پرداخت شده، ولی هنوز بخش عمده ای از این بدهی ها باقی مانده است. این ده میلیارد تومان غیر از بودجه جاری آن است. ما در جلسه رسمی به استاندار محترم نیز عرض کردیم که دستگاه فرادستی باید به مسئله سازمان اتوبوسرانی ورود پیدا کند. شهرداری بوشهر در محدوده ای بسیار وسیع تر از محدوده شهری و تعریف شده و رسمی خود، هم اکنون مشغول سرویس دهی است که خارج از حیطه وظائف شهری است. ما در حال حاضر تا محدوده بیش از ۴۰ کیلومتری تا آبطویل و عالیشهر و چغادک و... هم سرویس دهی انجام می دهیم که هزینه های مالی سنگینی به سازمان اتوبوس رانی شهرداری تحمیل می کند. مشکلات فنی اتوبوس ها مثل نداشتن کولر، قدیمی بودن ناوگان و کمبود دستگاه در خطوط تعریف شده از مشکلات مزمن شده در دستگاه اتوبوسرانی است و همه این ها در حالی است که استهلاک وسایل در بوشهر هم به واسطه طولانی بودن فصول گرم سال، بسیار بالا و هزینه زاست».

آیا دانشکده معماری رونق را به بافت تاریخی بوشهر باز می گرداند؟

مرتضی رضائی: استاندار بوشهر در نشست خبری که با خبرنگاران داشتند، با پرداختن به مسائل بافت، یکی از مهم ترین گام هایی را که برای احیای بافت برداشته شده است، احداث دانشکده معماری ارزیابی کردند.
بافت قدیم بوشهر که در مساحتی نزدیک به ۳۷ هکتار قرار دارد، یکی از منحصر به فردترین معماری های ایران و خاورمیانه است که در گذر ایام متأسفانه آسیب های جدی دیده است. بافت تاریخی بوشهر و معماری ویژه ی آن در دل خود تاریخچه دویست ساله این شهر و حتی ایران را حفظ کرده است. ساختمان های معظم و مهمی که شناسنامه هویتی شهر، پیشینه آن و فرهنگ آمیخته سنتی و مدرن شهر قدیم بوشهر است. چیزی که امروزه ما در امتداد آن به سر می بریم.
ولی بافت تاریخی بوشهر در گذر زمان، برخلاف سایر شهر های ایران مثل یزد و اصفهان، نتوانست رونق خود را حفظ کند و با سیاست های مخرب و ناموجه، بسیاری از قابلیت های خود را در مدت کوتاهی از دست داد و به مرور به بوته فراموشی سپرده شد. باید گفت وضعیت بافت به گونه ای است که بسیاری از ابتدایی ترین امکانات نیز در بافت وجود ندارد و هنوز قسمت عمده ای از مردم ساکن بافت از نبود امکانات اولیه شاکی و معترض هستند. سرانه فضای سبز، فضای آموزشی و ورزشی در این بخش از شهر نسبت به سایر بخش ها پایین تر است. تأسیسات آب رسانی، برق رسانی و گازرسانی در این پهنه از شهر به روز نشده و فاضلاب حتی وضعیتش از موارد فوق بدتر و وخیم تر است.
با توجه به همین ضعف ها برنامه های ویژه ای برای احیای بافت نیاز است. برنامه هایی که بار دیگر رونق و ارزش را به بافت برگرداند و آن را بسان عزیزکرده ای به آغوش شهر پیوند دهد. دیر نخواهد بود که با خشکیده شدن چاه های نفت ایران و به آخر رسیدن دوران پر نکبت و



پر محنت اقتصاد نفتی، ارج و قرب گنجینه های خاموش این کهن مرز و بوم، مثل همین بافت تاریخی بوشهر دانسته شود و خشت ها و چوب های پوسیده اش را همچون شمش طلا و عصای پادشاهی به موزه مطلّا ببرند و به آن بنازند و تازه بدانند چشمه زر، این معماری و جاذبه های توریستی آن است.
یکی از این برنامه های ویژه برای احیای رونق بافت، ساخته شدن دانشکده معماری در بافت است.

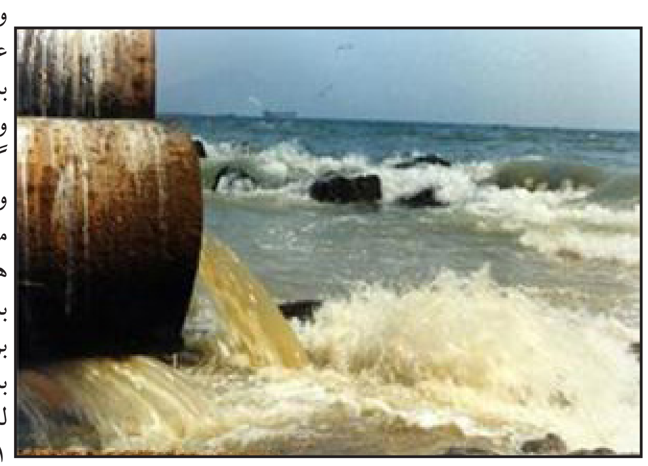


دانشکده ای بسیار زیبا و شکیل که در مراحل پایانی و ماقبل بهره برداری قرار دارد. این دانشکده که در جنب مسجد شیخ سعدون و در منتها الیه خیابان لیان غربی واقع شده در مساحت ۴ هزار و ۶۰۰ متر مربعی تا پایان شهریورماه به بهره برداری خواهد رسید. این دانشکده که زیر نظر سازمان میراث فرهنگی احداث می شود، یکی از امیدهای بافت برای ایجاد رونق در این منطقه از شهر است. مشخص است که یکی از قلب های تپنده هر شهر، دانشگاه ها و مراکز آموزشی عالی و عمده است که در حدود خود تحولات اجتماعی و اقتصادی مهمی را ایجاد می کنند. تجربه نیز نشان داده که دانشکده و محیط های دانشگاهی در هر محیطی که احداث شده اند، توانسته اند توازن متناسب با خود را ایجاد نمایند و رونق اقتصادی مثبتی به نفع محل استقرار پدید آورند.
قرار گرفتن دانشکده معماری، در یکی از بخش هایی از شهر که به لحاظ معماری هم منحصر به فرد است و هم مشکلات عمده ای دارد، خود می تواند به عنوان یک موتور محرکه ضمن ایجاد مشوق های روانی برای اهالی محلات قدیم بوشهر، محلی برای رجوع آن ها و گرفتن مشاوره و ایده باشد.
این دانشکده اگر بتواند در پیوند با محل و بافت تاریخی آن پروژه های خود و دانشجویانش را تعریف کند، با توجه به اینکه بخشی از ساکنین محل در مضیقه های مالی هستند، نقش و کارکرد بسیار مهمی می تواند در ایجاد تحول بافت ایفا کند. ضمن این که این بافت پس از مرمت نیز نیاز به نگهداری های مداوم دارد. دانشکده معماری در این زمینه هم می تواند برای خود نقش و رسالتی مهم تعریف نموده و ضمن ایجاد تحول در بافت، برای بافت نقش یک نگهدار و نگهبان دائمی نیز داشته باشد.
پیوند دانشکده و محیط در این بافت اگر درست پیش برود، بدون شک می تواند تأثیرات بسزایی در شکوفایی آن داشته باشد. ضمن اینکه جا دارد سازمان میراث فرهنگی، سازمان اصناف، شهرداری، سازمان برنامه و بودجه و... طرح هایی پیش ببرند که حیات اقتصادی را هم به بافت برگرداند. ایجاد حیات اقتصادی و فرهنگی در پیوند با یکدیگر بافت را در مدت نه چندان طولانی احیا خواهد نمود و رونق را به آن بر می گرداند.
با توجه به نقشی که بی هیچ تردیدی بافت، در آینده شهر ما و در اقتصاد بدون نفت خواهد داشت، امید می رود که این گام با هم افزایی سایر گام هایی که ارگان های مربوطه باید بردارند، مقدمه شکوفایی شهر و شکل گیری زمینه های ایجاد یک جاذبه توریستی و گردشگری کم نظیر در ایران شود. فصل های خوش آب و هوای بوشهر در پاییز و زمستان در پیوند با محیطی سنتی و تاریخی همچون بافت، آن هم مشرف به خلیج زیبای فارس، می تواند سراسر این منطقه را به هتل و مهمانخانه و ویلا تبدیل کند تا با ذوق و سلیقه و خلاقیت در هم بیامیزد و چون چاه نفت خشک نشدنی برکت برای شهر به ارمغان آورد. باور کنیم! ایمان بیاوریم! بافت بوشهر یعنی آینده ای تضمین شده برای نسل های پیاپی. کمی همت می خواهد و درایت!

وضعیت اسفبار ورود فاضلاب بوشهر به دریا

زهرا رضایی - عضو شورای شهر بوشهر

در بازدیدهای میدانی خود، در چند وقت اخیر، نکته ای بسیار دردناک توجه مرا باز به خود جلب کرد. نکته ای که بارها گفته شده و متأسفانه شنیده نشده است. دریای زیبایی که طبیعت خداداد ما به ما ارزانی داشته و جزء انفال است با توجه به ویژگی های ساحل شهر بوشهر، از دیرباز در این بندر کهن دارای ویژگی های خاص و منحصر به فردی بوده و ضمن فراهم آوردن امکان فعالیت های اقتصادی متنوع دریایی، برای گردشگران و استفاده کنندگان هم به عنوان یک منبع درمانی ظاهر شده و هر سال در ماه های گرم، آب درمانی برای بهبود بسیاری از بیماری ها نظیرِ دردهای مفاصل، عوارضِ سکته ها و تصادفاتَ و شکستگی ها، امراض پَوستی و موارد دیگری همچون استخوان درد و دیسک کمر یکی از رایج ترین و بی هزینه ترین امکاناتی بوده که این دریا برای ما فراهم آورده و قدرت اعجاز خود و خالق خود را به رخ کشیده است.
اما متأسفانه همچون سایر نعمات خدادادی، این نعمت هم قدر دانسته نمی شود. در مشاهدات میدانی خود در یک ماه اخیر به تعداد بالای کانال های فاضلاب برخوردم که با ورود به دریا و ایجاد آلودگی های شدید، جان انسان ها و حیات آب و آبزیان را به مخاطره انداخته که این وضعیت ضمن منظره و چشم اندازه بسیار نامطبوعی که در سواحل پدید آورده، باعث گسترش روزافزون انواع بیماری های ناشی از آلودگی های زیست محیطی و بهداشتی گردیده است. بدترین وضعیت در ضلع غربی ساحل می باشد که در اسکله صیادی جفره وضعیت واقعا اسفبار است. همچنین در ضلع شرقی نیز در بندر صیادی صلح آباد را داریم که دو کانال مستقیما در محل تجمع قایق های صیادی سرازیر می شود و گاها مشاهده شده که صیادان از همین آب آلوده برای شستشوی ماهی های صید شده استفاده می کنند که باعث غیر بهداشتی شدن فزاینده آبزیان می گردد. این مشکل در قسمت هایی که محل شنای مردم می باشد همانند پارک باسیدون رو به روی شورا و پلاژ آقایان در جفره بغرنج تر و مسئله سازتر می شود که تبعات آن را اگر بخواهیم بسنجیم، به طور قطع مخاطرات جدی سلامت شهروندان را در این مناطق تهدید می کند.
اما این مشکل، صرفا مشکلی نیست که به مسئولین شهری برگردد. عمده مشاهدات میدانی نشان دهنده این است که فاضلابی که به دریا ریخته می شود، از محل کانال های دفع آب های سطحی است که نشان دهنده عدم وجود فرهنگ کافی در بخش هایی از شهر است. برخی از شهروندان متأسفانه با نادیده انگاشتن حق و حقوق سایر همشهریان خود و بدون داشتن ملاحظه سلامتی خود و خانواده هایشان، پساب های خانگی و فاضلاب خود را نه تنها به شبکه فاضلاب در محلاتی که دارای این شبکه هستند، متصل نمی کنند، بلکه آن را مستقیما در کانال های دفع آب های سطحی رها می کنند. تجمیع این کانال ها و ریختنشان در دریا به راستی مسئله ساز شده است. این در حالی است



که به خاطر عدم همکاری و وجود فرهنگ لازم در برخی از لایه های شهر که الزاما از طبقات پایین جامعه هم محسوب نمی شوند و بلکه جزء بخش های مرفه شهر هم دسته بندی می گردند، هزینه های بسیار سرسام آوری به شهرداری جهت تنظیف این کانال ها تحمیل کرده است. در سال گذشته حدود ۱۲ میلیارد تومان و در سال جاری میلیاردها تومان بیشتر از این مبلغ، صرف تنظیف کانال ها شده تا از پساب ها و فاضلاب ها رفته شود. این انتقادی است که به برخی از گروه ها و لایه های اجتماعی وارد است و تا این فرهنگ تغییر نکند مشکل سواحل حل نمی شود.
مورد دیگری که باید در این خصوص به آن اشاره کنم، این است که در جلسه اخیری که در استانداری برگزار شده بود و نمایندگان کلیه سازمان های ذی ربط به مسئله فاضلاب در آن حضور داشتند، نکته ای مطرح شد که شدیدا توسط شخص من بر آن تأکید شد و آن هم این نکته است که مشخص نیست کدام سازمان باید خانوارهایی که فاضلاب خانگی خود را به شبکه فاضلاب متصل نکرده اند، الزام به اتصال به شبکه کند. کارگروهی تعریف شد تا با انجام مطالعات حقوقی این مشکل مرتفع شده و مسئول و متولی این امر مشخص شود و بر اساس آن خانوارهایی که قانون را رعایت نمی کنند و فاضلاب خود را در کانال های دفع آب های سطحی رها می سازند، ملزم و مکلف به اتصال شوند.
بنده به عنوان خدمتگذار مردم شریف و عزیز بوشهر این مطلب را به رشته نگارش درآورده ام؛ همه ما بندگان خداییم و در پیشگاه او و وجدان خود باید سربلند باشیم. گاهی کاستی هایی وجود دارد که فراتر از مسئولیت سازمان های دولتی است و این از جمله مسئولیت هایی است که بر عهده مردمی است که می خواهند شهروند باشند و به دنبال داشتن شهری نمونه و زیبا و پاکیزه به عنوان یک الگو در ایران هستند. گفتن این سخنان را از این رو بر خود واجب دانستم که به عنوان یک نماینده مردم شهرم، نه تنها باید پاسدار حقوق آن ها در برابر تخلف احتمالی برخی مسئولین باشم، بلکه باید مدافع حقوق مردم شهر در برابر تخلف برخی دیگر از شهروندان هم باشم.
لذا در همین رابطه پیشنهاد می گردد:
۱- فاضلاب های خانگی و پساب هایی که به کانال ها دفع آب های سطحی ریخته می شود با همیاری شهرداری و اداره آب و فاضلاب به شبکه سراسری متصل شوند.
۲- کانال هایی که با حجم زیاد وارد دریا می شوند توسط مشاور ذیصلاح مورد مطالعه قرار گرفته تا پس از مشخص شدن حجم و مقدار آلودگی آن توسط شهرداری، در کمیسیون های مختلف مطرح شده و برنامه های رفع این معضل مصوب گردد تا به صورت اصولی و اساسی این مشکل حل شود.
۳- با توجه به موارد فوق با همت مقام ارشد استان و سایر مسئولین، مبلغ مورد نیاز برای اصلاح این وضعیت تأمین اعتبار شده تا برای همیشه این معضل مرتفع گردد.
۴- سمن ها و نهادهای فعال در زمینه محیط زیست با آگاهی بخشی به لایه ها و اقشار مختلف جامعه در خصوص تبعات جبران ناپذیر و بسیار هزینه زای آلودن سواحل در اثر سرریز کردن پساب های خانگی به دریا، جامعه را برای رفع این مشکل بسیج کنند.
۵- عموم مردم بیش از گذشته به نقش خود در پیدایش شرایط کنونی در سواحل توجه نشان دهند و همت خود را برای داشتن شهری پاکیزه با اتصال به شبکه فاضلاب نشان دهند.

در شورای شهر بوشهر چه می گذرد

وضعیت بحرانی سازمان اتوبوسرانی بوشهر

شورای شهر در ۳۰۸ جلسه علنی خود، زیر سایه بحران عمیق سازمان اتوبوسرانی قرار گرفت. به گزارش نسیم جنوب این سازمان که پیش از این نیز بارها در صحن شورا به بررسی مشکلاتش پرداخته شده بود، سازمانی است که به گفته شهردار بوشهر ۱۵ میلیارد تومان بدهی دارد. این حجم هنگفت بدهی برای شهری مثل بوشهر و سازمان اتوبوسرانی اش در حالی به بار آمده که یکی از مهم ترین بخش های نارضایتی عمومی مردم، انتقاداتی است که به وضعیت اتوبوسرانی و سرویس دهی آن دارند. انتقاداتی که همه اعضای شورای شهر نیز به نحوی مؤید و آگاه به آن هستند. حجم بدهی سازمان اتوبوسرانی در حالی این سازمان را زمین گیر کرده که به نظر نمی رسد شهرداری توان حل این بحران عمیق و ریشه دوانده را داشته باشد؛ چرا که به گفته معاون امور مالی شهرداری، با افت درآمدها، شهرداری در پرداخت دستمزدها و حقوق کارکنان خود نیز با گرفتاری های جدی دست و پنجه نرم می کند.

چرا شهرداری به تعهدات خود عمل نمی کند؟

رجوع مجدد یکی از پیمانکاران طرف قرارداد با سازمان اتوبوسرانی شهرداری که چند ماه پیش نیز به شورا مراجعه کرده بود و خواهان وصول مطالبات خود شده بود، نقطه آغاز واکاوی مشکلات این سازمان شد. به گزارش نسیم جنوب این شهروند که مدتی قبل در خردادماه با مراجعه به شورای شهر، از طلب چند صد میلیونی خود صحبت کرده بود، در این جلسه اظهار داشت: «بعد از جلسه ای که در شورا و شهرداری منعقد شد قرار بر این شد که به صورت قسطی مطالبه من پرداخته شود. اما از سه قسطی که تعیین شد فقط یک قسط آن را پرداخته اند و الان دو ماه است که هیچ پولی به من نمی دهند. من هنوز ۷۹۰ میلیون تومان از شهرداری طلب دارم. کل زندگی ام فلج شده و در آستانه ورشکستگی هستم. چرا به قول خودتان در شهرداری وفا نمی کنید؟ در این مدت مرا فقط پاسکاری کرده اند. الان ۱۴ ماه است که طلب من مانده. چه کسی خسارت این حجم از پول راکد مانده من نزد شهرداری را پرداخت می کند؟ بارها از من دوباره قطعات خواسته اند، اما دیگر حاضر به معامله با شهرداری بوشهر و سازمان اتوبوسرانی نیستم».

معاون شهردار: حتی توان پرداخت هزینه های جاری شهرداری را هم نداریم

رئیس شورای شهر با مخاطب قرار دادن عبدالامیر قاسمی، معاون امور مالی و اقتصادی شهرداری خواهان تعیین تکلیف وضعیت این طلبکار از شهرداری شد. قاسمی در پاسخ به رئیس شورا گفت: «در حال حاضر وضعیت اقتصادی



شهرداری به صورتی است که در پرداخت حقوق کارکنان خویش نیز دچار اشکالات جدی است و چون ساخت و سازها به شدت راکد شده، ما درآمدهایمان افت شدیدی داشته و حتی کفاف هزینه های جاری هم نمی دهد. در نتیجه گمان نمی کنم تا آذرماه امکان هیچ نوع پرداختی به ایشان وجود داشته باشد».
این در حالی است که طلب کلی این شهروند حدود ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان بوده که ۷۹۰ میلیون آن هنوز وصول نشده است و ۱۴ ماه نیز از زمان پایان قرارداد می گذرد. خودِ سازمان اتوبوسرانی نیز به گفته اعضای شورای شهر حتی در پرداخت حقوق کارکنان و کارمندانش هم با دغدغه های مالی و مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می کند.

عملکرد خودِ سازمان اتوبوسرانی مورد انتقادات جدی است

زهرا رضایی عضو شورا، در نطق خود درباره وضعیت سازمان اتوبوس رانی گفت: «این مشکلات، تنها بخشی از مشکلاتی است که هر روزه توسط مردم به ما در خصوص نحوه سرویس دهی اتوبوسرانی برگردانده می شود. ما شکایات متعددی از مردم در خصوص تأخیرات مکرر و عدم حضور اتوبوس ها در موعد مقرر، ازدحام جمعیت در اتوبوس ها به علت کمبود اتوبوس دریافت می کنیم و این مشکلات حل نشده، قطعا با سر رسیدن فصل مدرسه تشدید هم خواهد شد. با توجه به بعد مسافت سرویس دهی، هزینه این سازمان بسیار افزایش یافته و ما باید جناب استاندار را در جریان این مشکلات قرار داده و از وی ورود جدی به این عرصه را خواستار شویم».

اجتماعی ۶
شماره ۸۲۰ یکشنبه ۱٤ شهریور ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

به درخواست محیط زیست بوشهر؛

دستور توقف خروج قطعات کشتی رافائل از خلیج فارس صادر شد

دستور توقف خروج هرگونه قطعات لاشه کشتی رافائل از دل خلیج فارس به دلیل اهمیت زیستگاهی و زیست محیطی آن توسط دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان بوشهر صادر شد.

به گزارش از روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر، مدیرکل حفاظت محیط زیست بوشهر اظهار داشت: چند سالی است که اداره کل محیط زیست مخالف بیرون کشیدن کشتی رافائل، به عنوان زیستگاه دریایی در دل خلیج فارس است و از همین رو با قاطعیت مخالف هرگونه اقدامی هستیم که در نهایت به خروج قطعات رافائل از دل دریا بینجامد.

حسین دلشب افزود: طی مکاتباتی که با دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان انجام دادیم، حکم وی را برای جلوگیری از هرگونه خروج قطعات زیستگاه دریایی کشتی رافائل از دل خلیج فارس اخذ کردیم و این حکم را برای اقدامات لازم در اختیار نهادهای انتظامی و سیاسی شهرستان بوشهر گذاشتیم.

مدیرکل حفاظت محیط زیست فروردین ۱۳۹۳ به صراحت از مخالفت محیط زیست با بیرون کشیدن رافائل از بستر خلیج فارس گفته و این نکته را برجسته کرده که بیشتر کشورهای حاشیه خلیج فارس آرزوی داشتن چنین زیستگاه دریایی مهمی مانند رافائل را دارند. وی همچنین در کنفرانس خبری و مطبوعاتی که در اردیبهشت ۱۳۹۵ انجام داده مجددا همین مخالفت را تکرار کرده و اینچنین به پرسش درباره کشتی رافائل پاسخ داده است که: تاکنون هیچ مجوزی در این زمینه از سازمان محیط زیست درخواست نشده است و محیط زیست از ابتدای مطرح شدن موضوع بیرون کشیدن کشتی رافائل مخالفت خود را با آن اعلام کرده بود. در این موضوع اقدامات متعددی انجام دادیم، سازمانی که بخواهد از ضایعات کشتی غرق‌شده رافائل استفاده کند باید از اداره کل بنادر و دریانوردی مجوز بگیرد و اداره‌کل بندر نیز باید استعلام لازم را از محیط‌زیست اخذ کند اما هیچ استعلامی از محیط زیست در مورد این کشتی نشده است.

از مشارکت شهروندان نهراسیم

مهشید کرمی



سال ها است که بحث مشارکت شهروندان در امور شهر در بسیاری از مباحث نظری و شاخه های مختلف علوم شهری و اجتماعی وارد شده است. دولت های بسیاری تلاش کرده اند که این مقوله را به رسمیت بشناسند و در راستای منافع عمومی و کاهش هزینه و آسیب های طرح های توسعه شهری به آن بپردازند. در ایران نیز با عملیاتی شدن قانون تشکیل شوراهای اسلامی، امید آن می رفت که بحث مشارکت شهروندی با جدیت بیشتری دنبال شود؛ موضوعی که تا امروز همچنان نیمه تمام و مسکوت مانده و تنها به شکل اعتراضات مدنی، پس از اجرای طرح ها نمود یافته است. گرچه با الزام اجرای بند ۳۴ ماده ۷۱ قانون شوراها که به لزوم تایید و تصویب طرح های شهری در شوراهای اسلامی شهرها می پردازد تا حدودی تلاش شده تا این کاستی برطرف شود؛ اما به دلیل رابطه کمرنگ شهروندان و شوراهای شهر، این امر هیچگاه به طور کامل محقق نشده و ردپای موثر مشارکت و نقد شهروندی در هیچ یک از طرح های توسعه و عمران شهرها دیده نمی شود؛ تا آنجا که بسیاری تصمیم گیری های کلان در طرح های جامع و تفصیلی، بدون توجه به خواست و نگرانی های اصلی مردم صورت می گیرد. نمونه آن را می توان در اقدامات شهرداری تهران بر اساس پیشنهادات طرح تفصیلی به دفعات مشاهده کرد. طرح هایی از جمله پیاده راه سازی معابر اصلی که با موافقت حداکثری بدنه کارشناسی نیز همراه بوده و علی رغم اعتراضات مردمی و با صرف هزینه های گزاف انجام گرفته اند و در نهایت نیز با ایجاد مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی برچیده شده اند.

شهروندان که از نقش آفرینی در مسیر قانونی تصویب، رصد و نقد اقدامات عمرانی در شهرها بازمانده اند، این روزها رو به رسانه ها و شبکه های اجتماعی آورده اند. با گسترش این شبکه ها و شکل گیری گروه های خرد که موضوعات و اهداف مختلفی را دنبال می کنند، نقش شهروندان قوت بیشتری یافته است تا آنجا که در بسیاری موارد، رسانه های سنتی و حتی مدیران شهری را پشت سر گذارده اند و خود تبدیل به رسانه های سریع و منتقدی شده اند که حساسیت و توجه ویژه ای نیز به سوژه های شهری نشان می دهند و تلاش می کنند تا در مسیر تصمیم سازی های شهری عرض اندام کنند.

این موضوع، تعاملات و مباحث بسیاری در فضای مجازی و رسانه ای در خصوص نقد و پرداختن به طرح های شهری را موجب می شود که متاسفانه در برخی موارد به دلیل عدم آموزش صحیح مباحثه، نقد و روش های پاسخگویی در مسیر مناسبی انجام نمی گیرد و خود تبدیل به "مشاجرات شهری" می شود که برآیند و ماحصل آن نیز نه تنها به نفع شهر نخواهد بود؛ بلکه این



خطر را به دنبال دارد که موضوعات اصلی در حجم بالای مشاجرات محو و گم شوند. این امر،گاه مطالبات شهروندی را به حوزه زد و خوردهای سیاسی و شخصی وارد می کند که در کوتاه مدت می تواند آسیب های بسیاری را متوجه شهر کند.

عملیاتی کردن مشارکت شهروندی نیاز به سعه صدر از سوی هر دو گروه "شهروندان" و "مدیران شهری" در همه سطوح دارد. نقد دلسوزانه و نه مخرب و در مقابل پاسخگویی شفاف، مستدل و اجتناب از پاک کردن صورت های مساله، پیش نیاز این مشارکت است. ناگفته نماند که در این روند، شهرداری به واسطه نوع وظایف و شوراهای شهر به دلیل انتخاب مستقیم با آرای مردم، نقشی فراتر از سایر نهادها و دستگاه ها ایفا می کنند.

فراموش نکنیم که قافله شبکه های اجتماعی با همه نکات مثبت و منفی راه خود را در پیش گرفته است و هر روز به قدرت شهروندان در این رویارویی می افزاید. ضروری است مدیران شهری از این قافله عقب نمانده و از مشارکت و نقد شهروندان نهراسند. از پیله مقاومت و نفی مسائل موجود به درآیند و تلاش کنند از حمایت های مردمی در مسیر تحقق برنامه های خود بهره ببرند.

آیا وکیل هم شأن قاضی است؟

غلامرضا رفیعی

از ابتدای دوره کارآموزی وکالت این جمله را که وکیل هم شأن قاضی است از وکلای محترم دادگستری می شنیدیم و خود نیز بارها تکرار کرده ایم. اما امروز در حوالی پایان دوره کارآموزی گمان مان بر این است که شاید برخی از دست اندرکاران امر قضا اعتقاد چندانی به این امر نداشته و ندارند.

وکلای دادگستری نیز با تحمل و تأمل، برخی رفتارها را به حساب برخورد شخصی گذاشته و آن را طریق عملی دستگاه قضا نمی دانند و به عبارت دیگر با چنین تصوری لااقل خود را قانع و راضی نگه می دارند. بعدها در طی دوره دریافتیم در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی از سوی مجمع تشخیص مصلحت پس از انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۱ ماده واحده ای به تصویب رسیده که تبصره ۳ آن صراحتاَ می گوید: «وکیل در موضع دعوی از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می باشد.»

به اعتقاد برخی اساتید نهایتا شعار «وکیل هم شأن قاضی است» با مصوبه مذکور جنبه قانونی پیدا کرده و به نظر می رسد که منظور از تأمینات شاغلین شغل قضا همان مصونیت است که قاضی در صورت ارتکاب جرم از آن برخوردار است و بدون سلب صلاحیت نمی توان قاضی را تحت تعقیب قرار داد (اصل۱۶۴ قانون اساسی و ماده ۴۲ قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱۴)

با وجود چنین صراحتی در قانون، این سؤال برای اکثریت وکلای دادگستری مطرح است که چگونه شأن و منزلت وکیل آنچنان که باید رعایت نمی گردد و انتظارشان این است که اگر مصونیت وکیل همانند و هم سنگ مصونیت قاضی نمی باشد، لااقل در رفتار و کردار، شأن و احترام وکیل مورد ملاحظه قرار گیرد. قضیه از این قرار است که مدتها بود اختصاص ورودی مخصوص جهت وکلا در دادگاه عمومی بوشهر شنیده می شد تا اینکه اخیرا چند روزی است وعده موعود به تحقق پیوست که ای کاش نمی پیوست. تا قبل از این وکلا و کارآموزان وکالت از ورودی عمومی بدون بازرسی بدنی وارد دادگاه عمومی بوشهر می شدند، از روز شنبه صبح هنگام ورود متوجه اختصاص ورودی جدید شدم، اما برخلاف انتظار متوجه شدم کارمند مربوطه قصد بازرسی بدنی دارد. وقتی اعتراض کردم ایشان با احترام تمام عذرخواهی کردند و اظهار نمودند دستور مافوق ایشان است و او چاره ای ندارد. از کانون وکلا انتظار دارم این مطلب را به عنوان یک تکلیف کارآموزی بپذیرد و پیگیری نماید.

نیکوکار برازجانی تامین هزینه ساخت درمانگاه فرهنگیان دشتستان را متقبل شد

نیکوکار برازجانی تامین هزینه فاز نخست ساخت درمانگاه فرهنگیان دشتستان را متقبل شد.

مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان بوشهر گفت: "عبدالمجید برجویی زاده" خیر نیک اندیش دشتستانی تامین هزینه عملیات اجرایی فاز نخست درمانگاه فرهنگیان در برازجان را متقبل شد.

به گزارش ایرنا، احمد مرادی در جمع خبرنگاران افزود: هزینه ساخت فاز نخست درمانگاه فرهنگیان دشتستان هشت میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال است که این خیر تعهد کرده این مبلغ را تامین کند.

وی اضافه کرد: قرارداد ساخت این درمانگاه به امضای این خیر، مدیرعامل مجمع خیرین مدرسه ساز، مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس و مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر رسید.

مرادی اظهار کرد: درمانگاه فرهنگیان دشتستان در برازجان با زیربنای یکهزار و ۷۶۰ مترمربع با ۱۷میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال احداث می شود.



وی گفت: اعتبار فاز دوم این پروژه در حین انجام کار تامین می شود.شهر برازجان با ۱۰۰ هزار نفر جمعیت مرکز شهرستان ۲۵۰ هزار نفری دشتستان در فاصله ۶۵ کیلومتری شرق بوشهر واقع است.

گزارش فیسبوکی استاندار از سفر وزیر نفت به بوشهر

رویکرد وزارت نفت به مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار جامعه میزبان

دکتر سالاری استاندار بوشهر طبق روال گزارش های مستقیم و رودر روی پیشین خود با مردم، گزارش سفر مهندس زنگنه وزیر نفت به بوشهر را در صفحه فیس بوکی خود منتشر کرد که در زیر می خوانیم:

گزارش روز پنجشنبه ۵ شهریور ۱۳۹۵

با سلام؛ امروز پیرو دعوت قبلی، میزبان مهندس زنگنه وزیر محترم نفت بودیم. صبح حدود ساعت ۶ و نیم، برای هماهنگی و نهایی کردن محور مذاکرات و مباحث (که دو سه روز گذشته، با همکاری و مشارکت همکاران گردآوری، بررسی و فهرست بندی مکاتبات مربوطه را تدوین کرده بودیم) به دفتر رفتم. پس از تنظیم امور، ساعت ۷ و ۲۰ برای استقبال از میهمان، به اتفاق معاونین و جمعی از مدیران عازم فرودگاه شدیم. هواپیما حدود ساعت ۷ و ۳۵ به زمین نشست. همه نمایندگان محترم استان در مجلس، معاون وزیر، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و مجری طرحهای عام المنفعه شرکت نفت و جمعی از مدیران آن وزارتخانه، وزیر را همراهی می کردند. مستقیم برای شرکت در شورای اداری به استانداری رفتیم.

رئیس دانشگاههای خلیج فارس و علوم پزشکی، مدیران کل آموزش و پرورش و ورزش و جوانان، سپس رئیس مجمع نمایندگان استان، صحبتهایی پیرامون تعامل استان و نفت مطرح و پیشنهاداتی ارایه کردند. آقای خدری (نماینده مردم شریف بوشهر، گناوه و دیلم) مواضع مثبت و خوبی راجع به الگوی جدید قراردادهای نفتی و برجام داشتند. سپس، دکتر شهریاری (نماینده مردم شریف دشتی و تنگستان) یادداشت دادند و وقت صحبت خواستند. ایشان هم، تحلیل بسیار خوبی در تأیید و حمایت از الگوی جدید قراردادهای نفتی ارایه و از مهندس زنگنه تقدیر کردند. من هم به اختصار به بازپسگیری سهمیه اوپک، کار عظیم گازرسانی به شهرها و روستاها، رویکرد اخیر وزارت و وزیر نفت در قبال مسئولیت اجتماعی شرکتهای نفتی در قبال جامعه میزبان و نهایتاً به لزوم تعامل بهتر روابط عمومی وزارت نفت با اصحاب رسانه استان پرداختم. نوبت به سخنرانی مهندس زنگنه رسید. وی به رویکرد وزارت نفت در تعامل با استان پرداختند و گفتند با همه پیشنهادات موافق هستند و مقرر شد پیشنهادات در قالب یک بسته کامل تنظیم و ارایه شود. ایشان در ادامه سخنان خود رویکرد تعاملی نفت در تحقق مسئولیت اجتماعی و توسعه جامعه میزبان را تشریح کردند. راهبردها و دیدگاههایی که بر حذف طرح اقماری و مدیران پروازی قرار گرفته و باعث می شود بجای نیروهای پروازی از نیروهای بومی استان استفاده شود. کسانی که از سایر استانها اینجا شاغل شده اند، با اسکان خانواده هایشان در شهرهای عسلویه، کنگان و جم و سپس دیر، عملاً با استان پیوند خورده و تعلق خاطر پیدا می کنند. درآمدشان در اینجا هزینه می شود، از خدمات آموزشی، بهداشتی، درمانی، ورزشی، فرهنگی و تفریحی اینجا استفاده می کنند و در بهبود کیفیت همه خدمات، با جامعه میزبان همصدا و همگام می گردند.

این اصلاح ساختاری، در کنار ساماندهی اشتغال استان در پارس جنوبی که اخیراً تدارک دیده ایم و در مراحل اولیه اجراست، قطعاً زمینه ساز توسعه پایدار شهرهای میزبان خواهد شد.

جلسه شورای اداری با کمی تأخیر، ساعت۱۰و ربع با اتمام سخنان مهندس زنگنه خاتمه یافت. سریعاً عازم محل برگزاری نشست فعالان اجتماعی و اقتصادی استان در کانون امام (ره) بوشهر شدیم. مراسم با ۲۰ دقیقه تأخیر شروع شد. نخبگان و فعالانی از اتاق بازرگانی، دانشگاهی، شوراها، جوانان، اصحاب رسانه و ...، از بوشهر، عسلویه، خارگ، جم، کنگان، دیر، دشتستان، گناوه و ... صحبت کردند. مسایل مرتبط با نفت و حوزه های مختلف استان را تشریح و پیشنهاداتی به مهندس زنگنه ارایه کردند.



بنده هم با توجه به اینکه همایش طولانی شده بود، صرفاً ظرف ۳ دقیقه، ضمن خوشآمد و خیرمقدم به وزیر نفت، فقط پیشنهاد کردم ایشان به عنوان وزیر معین استان در حوزه اقتصاد مقاومتی، منصوب شوند. پیشنهادم مبتنی بر این بود که اخیراً مقرر شده هر یک از وزرا و معاونین رییس جمهور به عنوان معین یک استان در اقتصاد مقاومتی تعیین شوند. انتصاب ایشان با توجه به دیدگاههای بسیار مثبتی که صبح در شورای اداری بیان کردند و اعلام آمادگیهایی که در مذاکرات خصوصی اظهار داشتند و همچنین علاقه ای که به استان دارند و پیوند ناگسستنی استان و نفت و ظرفیت بالای صنعت نفت برای توسعه صنعت پتروشیمی و صنایع پایین دست و وابسته در سراسر استان و نیز تأثیر ایشان در ارکان تصمیم ساز و تصمیم گیری دولت، بسیار مفید است.

مهندس زنگنه بعنوان سخنران پایانی این نشست، به رویکرد وزارت نفت به مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار جامعه میزبان پرداخت و به بخش عمده پیشنهادات فعالان و نخبگان پاسخ مثبت داد و گفت یکایک پیشنهادات را یادداشت کرده و رسیدگی خواهد کرد. بطور کلی از پیشنهادات استقبال کرد و برای همکاری در زمینه های مختلف بر اساس اولویت بندی، اعلام آمادگی نمود.

در پایان، بنا به پیشنهاد رئیس مجمع نمایندگان استان، لوح یادبودی به ایشان اهدا کردیم و باتفاق (حدود ساعت ۱۲ و نیم)، به صدا و سیما رفتیم. مصاحبه تلویزیونی به مدت یک ساعت انجام شد. وزیر نفت در پایان مصاحبه، از بابت زحمات و مشکلاتی که پروژه های نفت برای مردم ایجاد نموده است از مردم استان عذرخواهی کرد.

مصاحبه مختصری هم با واحد مرکزی خبر برای پخش در شبکه سراسری سیما انجام شد و ساعت یک ربع به ۲، به مهمانسرای استانداری برگشتیم. پس از صرف ناهار، جلسه‌ای ۶ نفره با حضور وزیر و هر ۴ نماینده استان داشتیم. نمایندگان، نظرات و پیشنهاداتی داشتند و نهایتاً مقرر شد:

۱. طرحهای اولویت دار استان در توسعه جامعه میزبان به وزیر نفت تحویل و زمینه اجرای آنها فراهم گردد.

۲. راهکارهای حقوقی برای استفاده از ظرفیت بخش خصوصی استان در تأمین نیازمندیهای صنعتی، مواد غذایی، البسه و لوازم مصرفی صنایع و ... با رقابت درون استانی تدوین و به وزارتخانه نفت ارسال کنیم تا ایشان دستور تأمین آن نیازمندیها از استان را صادر و ابلاغ کنند.

۳. در زمینه کمک به ورزش استان، اقدام کنند.

۴. اولویتهای استان در توسعه دانشگاهها، آموزش فنی و حرفه ای، بهبود وضعیت محیط زیست و فرودگاه جم از سوی وزارتخانه نفت، مدنظر قرار گیرد.

۵. وزیر ترتیبی اتخاذ فرمایند که از کارمندان مستعد شاغل و بومی استان در وزارت نفت در سطوح مدیریتی صنایع مستقر در پارس جنوبی استفاده شود.

۶. بحث تعامل بهتر نفت با خانه مطبوعات استان را وزیر محترم شخصاً تذکر دهند تا ساماندهی شود و رضایت اصحاب رسانه استان و حقوق قانونی آنان حاصل شود.

حدود ساعت ۳ و نیم عصر، برای بازدید از پتروشیمی متانول کاوه دیر، به اتفاق مهندس زنگنه به سوی دیر حرکت کردیم. در مسیر، مسایل و موضوعات مطروحه در دو نشست صبح، مصاحبه ها و جلسه اختصاصی ۶ نفره را با ایشان مرور کردم و مستندات، مکتوبات و توافقات را به ایشان تحویل دادم تا به همکارانشان دستور اقدام دهند. مقرر شد در مورد اراضی محدوده مصوب پارس شمالی در شهرستان های تنگستان، دشتی و بالاخص دیر که مازاد بر نیاز قطعی نفت است، سریعتر توافق و آن اراضی از محدوده خارج شوند. همچنین قرار گذاشتیم برخی طرح های مورد توافق که نیازمند بررسی است را سریعتر تدوین و در دیدار دیگری به ایشان تحویل دهم تا دستورات لازم را به زیرمجموعه شان صادر و تصمیمات قطعی متخذه در سفر را نیز اجرایی نمایند.

پیشنهاد تعیین ایشان به عنوان وزیر معین اقتصاد مقاومتی استان بوشهر را یادآوری نمودم و مقرر شد تا ایشان این پیشنهاد را به دکتر جهانگیری ارائه نمایند.

ساعت ۵ عصر به دیر رسیدیم و پس از جلسه معرفی و گزارش پیشرفت پروژه پتروشیمی متانول کاوه دیر، بازدید میدانی نیز از بخشهای مختلف آن پروژه به عمل آمد. این پروژه بعنوان بزرگترین متانول دنیا، با سرمایه گذاری ۶۰۰ میلیون دلاری بخش خصوصی واقعی، اکنون بیش از ۹۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. پیش راه اندازی بخشهای مختلف آن شروع شده و سرمایه گذار قول داده تا قبل از پایان سال، آنرا به بهره‌برداری برساند.

ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه عصر، مهندس زنگنه و همراهان برای بازدید از پروژه های پارس جنوبی، عازم عسلویه شدند. من و همکاران از ایشان خداحافظی کردیم و برای افتتاح پروژه های هفته دولت، عازم شهرستان دشتی شدیم.

این نکته را هم اشاره کنم که رویکردهای مهندس زنگنه خصوصاً در این سفر به بوشهر نسبت به مسایل نفت و گاز در منطقه و حوزه مسئولیت اجتماعی در قبال جامعه میزبان و علاقه ای که به استان دارند می تواند گشایش فصل نوینی در توسعه پایدار مناطق میزبان صنعت نفت در استان را رقم بزند. البته اگر با برنامه و متحد و پیگیر باشیم.

افتتاح گازرسانی به روستای زیارت دشتی با حضور در روستا و جمع صمیمی اهالی انجام شد. در جمع مردم، در مورد پروژه های عمرانی روستاها و اینکه بصورت میانگین در هر روستای استان ۳ پروژه داشته ایم و همچنین با این گازرسانی، پوشش ۱۰۰ درصدی گازرسانی به شهرها و حدود ۸۵ درصدی به روستاهای شهرستان دشتی، محقق شده است و در استان نیز مجموعاً به پوشش ۹۵ درصد شهری و ۷۵ درصد روستایی رسیده ایم و تا کمتر از یک سال آینده، حداقل به پوشش ۹۸ درصد شهری و ۹۵ درصد روستایی (یعنی بجز برخی آبادی ها) می رسیم، اشاره نمودم. بلافاصله از مردم زیارت خداحافظی و به سمت روستای درازی برای افتتاح سالن ورزشی روستا حرکت کردیم. در یکی از مساجد مسیر، نمازمان را خواندیم و نهایتاً حدود ساعت یک ربع به ۹ شب، به محل افتتاح (روستا) رسیدیم. از بابت تأخیر از اهالی عذرخواهی کردیم و افتتاح سالن انجام شد. اهالی راجع به وضعیت آب سؤالاتی داشتند. توضیح دادم که کل مصرف آب شرب استان، حدود ۳۲۰ هزار مترمکعب در روز است و بخشی که باید از شهرستان کازرون تأمین شود، غالباً بصورت کامل دریافت نمی شود و چون انتقال آب از کازرون به استان، مورد اعتراض کشاورزان آنجاست، بعضاً آب را به مزارع خود منحرف می کنند و ما در استان با مشکل مواجه می‌شویم. توضیح دادم که ما از ۲ سال پیش، احداث ۵ مجتمع آبشیرین کن با ظرفیت تولید روزانه ۱۱۰ هزار مترمکعب آب شرب از دریا را شروع کرده ایم که در کنگان با ظرفیت ۱۰ هزار مترمکعب، قبل از تابستان امسال به بهره برداری رسید. در بوشهر، واحد اول حدود یکی دو ماه دیگر با ظرفیت روزانه ۱۰ هزار متر به بهره‌برداری می رسد. مناقصه احداث آبشیرین کن برای جم در سیراف با ظرفیت ۲۸ هزار مترمکعب در مراحل نهایی و انتخاب سرمایه گذار است. مجوز احداث آبشیرین کن دوم بوشهر با ظرفیت ۳۵ هزار مترمکعب نیز اخیراً از وزارت نیرو اخذ شده و فراخوان مناقصه آن، منتشر شده و آبشیرین کن های دلوار و عسلویه نیز در مراحل مناقصه اند. هزینه خرید آب تولیدی این ۵ مجتمع آبشیرین کن، با نرخ امسال، حداقل سالیانه ۱۲۰ میلیارد تومان است که پرداخت آن به مدت ۲۰ سال از منابع ملی و بر عهده وزارت نیرو، تعهد شده است. علاوه بر ۱۱۰ هزار مترمکعب ظرفیت سازی و تولید جدید مورد اشاره، پروژه افزایش برداشت ۲۳ هزار مترمکعبی از خط کوثر نیز با حدود ۲۰ میلیارد تومان هزینه، پارسال طراحی و محاسبه و امسال عملاً شروع شده است. توضیح دادم که اگر نصف این پروژه‌ها را ۵ سال پیش شروع کرده بودیم، اکنون در استان، مشکل تأمین آب نداشتیم. ضمن اینکه برای نوسازی شبکه های فرسوده آب استان که هدررفت بالایی دارند، در غالب نقاط استان از جمله روستای درازی، با احتساب مخازنی که می سازیم، امسال ۶۱ میلیارد تومان پروژه اجرا می کنیم.

نهایتاً پس از مصاحبه تلویزیونی و اعلام پروژه های هفته دولت شهرستان دشتی (۹۱ پروژه به ارزش ۴۳ میلیارد تومان)، حدود ساعت ۹ و ربع شب، به سمت بوشهر حرکت کردیم. در مسیر، مصاحبه یک ساعته تلویزیونی که به اتفاق مهندس زنگنه با سیمای استان داشتیم را هم دیدم. حدود ۱۰ و ۲۰ دقیقه به بوشهر رسیدیم.

نسیم جنوب
NASIM JANOUB
بانوان
شماره ۸۲۰ یکشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۵

دلایل ناکارآمد بودن حرفه طراحی مد در ایران

فاطمه علیخواه



طراح مد (Fashion Designer) را در فرهنگ های لغت اختصاصی این رشته به این شکل معنی می کنند: طراحان مد به طرق متفاوتی در بخش‌های طراحی پوشاک و زیورآلات کار می‌کنند، بعضی به تنهایی و بعضی به عنوان بخشی از یک گروه به این حرفه مشغول هستند. آنها با تلاش برای طراحی لباس‌های زیبا و باب طبع جامعه سعی در ارضاء تمایل مصرف کنندگان دارند. به دلیل اینکه طراحی و ارائه ی لباس‌های جدیدی را پیش بینی کنند.

طراحان مد تلاش می‌کنند تا لباسی که طراحی می‌کنند تابعی از زیبایی و دل انگیزی باشد، آنها باید در نظر داشته باشند که هر نوع لباسی چه مخاطبی دارد و همچنین در چه موقعیتی پوشیده می‌شود. آنها برای انجام این مهم محدوده‌ای وسیع از مواد و ترکیبات آن و همچنین طیف گسترده‌ای از رنگ ها، الگوها و سبک‌ها را در اختیار دارند. این تعریف به طور جامع اما با حذف جزییات ارایه شده که وقتی آن را می شنوید فقط می توانید در جهت تایید سر تکان دهید. گرچه تعریف کامل تر و عامه پسند آن از بحث ما خارج است و نیاز به گردآوری فصل های مختلف تاریخ طراحی مد می باشد که در محدوده یک مقاله نیست. ولی چرا وقتی اسم طراح مد به میان می آید همه ما در ذهنمان به دنبال شکل و ساختاری هستیم که طراحان مد را در آن جا دهیم. در نهایت هر ذهنیتی هم که داشته باشیم به تن طراحان مد زار میزند یا برایشان آنقدر کوچک است که شاغلین این حرفه را محدود می کند. یکی از دلایل ناکارآمد بودن حرفه طراحی مد و شاغلین آن، به تقصیر خود طراحان می باشد، به این دلیل در جامعه کاری خود نتوانستند جایگاه ثابتی را داشته باشند و ممکن است با یک حرکت نا به جا اینکه آینده شغلی شان در خطر قرار گیرد.

– مشخص نبودن حوزه کاری طراحان (مردانه، زنانه، جوان، میانسال، بچه گانه، دختر و پسر)

اینکه هر طراح مد باید خبره بودن خود را در حوزه پوشاک مشخص کند و در هر زمان و جایگاهی تن به طراحی و تولید پوشاک ندهد. همیشه برای خودش آرشیوی از مبحث مورد علاقه اش را طراحی کند و در دید نظرسنجی عمومی قرار دهد و از نتیجه حاصل شده، اعلام آمادگی در آن مبحث را ایجاد کند. به عبارتی به صرف طراح بودن لباس آقایان نمی توان طراح پوشاک کودک یا طراح کفش زنانه باشد.

– آشنا نبودن به مشاغل و استانداردهای شغلی و پوشاک مورد نیازشان.

همه افراد در جامعه اقتصادی به عنوان کارگر, کارمند, کارفرما, مدیر و مدیران ارشد و ... در رفت و آمد هستند و وابستگی آنها به نهاد یا دستگاه دولتی و خصوصی و نوع کارشان مشخص می باشد، وظیفه طراح مد درکی از همه این مشاغل و دستیابی به عرضه پوششی در خور و شان افراد و در کنار آراستگی و راحتی، ایجاد حس تحسین برانگیزی است که به مخاطب بدهد.

– شناخت جامعه هنری اعم از سینما و تئاتر و موسیقی و...

جامعه هنری به عنوان حامی هنرمندان همیشه طراحان مد را در خود جای داده است. ولی با اینکه تمام شاغلین این حرفه می دانند در سینما و تئاتر و موسیقی پوشش به عنوان ابزار هنرمند حساب می شود و عناصر دیگر را فراموش می کنند و دست به تقلید کورکورانه یا مدگرایی افراطی یا بدون درنظر گرفتن مفاهیم ارزشی هنر ارائه شده، می زنند. به طور مثال در سینما فیلم های محدود و انگشت شماری را می توان نام برد که استاندارد طراحی لباس برای درک فیلم مورد استفاده قرار گرفته است.

– طراحی مد برای افراد در عرصه بین المللی از جمله ورزشکاران و سیاستمداران و...

زمانی که طراحان مد در این سمت پا می گذارند، به همراه ذوق و سلیقه ای که طراح برای خلق اثر به کار می برد، معیارهای ارزشی میهنی نیز در اولویت قرار می گیرد. در واقع در این برهه طراح، تولید خود را در مرکزی قرار می دهد که یکسوی آن اولویت بندی ارزشهای ایرانی اسلامی جامعه ما می باشد و یکسوی دیگر استعداد و سلیقه فردی طراح و بی غرض بودنش که در ارایه اثر نمایان می شود.

– نداشتن علم کافی در فلسفه اثر و جلب مشتری

متاسفانه تعدادی از طراحان مد در حال حاضر در کشور ما در جایگاهی کاذب و ایجاد شده از تفکرات خود می باشند. باید راه حلی برای این تب بلند شده در زمینه طراحی مد پیدا شود. روزگاری مردم سرزمین مان همه می خواستند بازیگر شوند. بعد از مدتی همه می خواستند خواننده شوند. این داستان به نقاش، عکاس، مدلینگ و.... ادامه داشت. در حال حاضر خیلی ها می خواهند طراح مد باشند. یادمان نرود مد که رسانه ی آن که پوشاک است نمادی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه میباشد. افرادی در این راه دوام می آورند که در نهایت محتاط بوده و رعایت اصول اخلاقی را نموده و همراه با آموزش، نیاز به ذوق و سلیقه و سواد بصری هنری نیز دارا باشند. مشتریان در واقع خریدار سلایق طراحان می شوند که با تکنولوژی دوخت و تولید همراه شده است. آشنا نبودن خیلی از طراحان به این سمت ماجرا می تواند تولید نامطلوب ایجاد کند. به جز افراد کمی از شاغلین این حرفه، خود را درگیر پژوهش کرده و نبودن منابع کافی کارآمد برای طراحان مد در کشورمان مشهود و جای تامل دارد.

تمام مباحث یاد شده قسمتی از حرفه طراحی مد می باشد. افرادی که در این زمینه قدم می گذارند با رعایت اصولی این موارد می توانند راه موفقیت را برای حرفه خود آغاز کنند.

مصاحبه نسیم جنوب با سهیلا بن رومی کارآفرین بوشهری:

بانوی کارآفرین بوشهر در آرزوی ناخدایی «کشتی رستوران و تفریحی ستاره جنوب»



از طرحی سخن می گوید که یکی از امیدهای این شهر می تواند باشد... طرحی برای توسعه و شکوفایی شهر: «کشتی رستوران و تفریحی ستاره جنوب».

از او می خواهم طرحش را معرفی کند، می گوید: «طرح من، مشتمل بر یک کشتی رستورانی و تفریحی است که با نام ستاره جنوب افتتاح می شود. این طرح برای اولین بار در بوشهر به اجرا در می آید که لگن آن فایبرگلاس و بدنه اش با الهام از بافت قدیم بوشهر از چوب ساخته شده. این ایده، ایدهٔ نو و بسیار مبتکرانه ای بود که تقریبا هر کجا نشان داده می شد با استقبال فراوانی همراه بود. این طرح یکی از پنج طرح برگزیده جهت اجرایی شدن در دهکده گردشگری است که می تواند به جذب توریست کمک کند و اشتغال زایی نموده و درآمدی برای شهر به ارمغان بیاورد».

از مورد مشابه آن در دبی می گوید: «همانند آن در دبی در آب انداخته شده و مشغول به کار است. اصل آن کشتی هم در ایران و آقای حیدری و شرکت دلوار کشتی ساخته شده و سپس به دبی رفته است».

از او می پرسم چه شد این ایده به ذهنتان رسید. با این سوال به روزهای سخت گذشته پرتاب می شود که در دل سختی ها گنج ایده ها نهفته است. می گوید: «من برای مدتی سرپرست تیم فوتبال بانوان بوشهر بودم. سال های پر مشقتی بود و تأمین اعتبار برای تیم واقعا دشوار بود. تیم ما یک اسپانسر خیّر داشت که بی توقع به تیم کمک می کرد. این اسپانسر همین آقای حیدری و شرکت دلوار کشتی بود که از طریق تیم، من با ایشان آشنا شدم. در اثر رفت و آمدهایی که با این شرکت و جناب حیدری داشتم با این طرح آشنا شدم. چون شخصا به بافت قدیم و هویت بومی و تاریخی و باستانی ایران و بوشهر علاقه زیادی دارم، این ایده و مدل کشتی در ذهنم نشست. وقتی عکس های آن کشتی که الان در دبی است را دیدم، این فکر به ذهنم خطور کرد که بر اساس هویت بومی بوشهر، بتوانیم یک کشتی هم در بوشهر بسازیم».

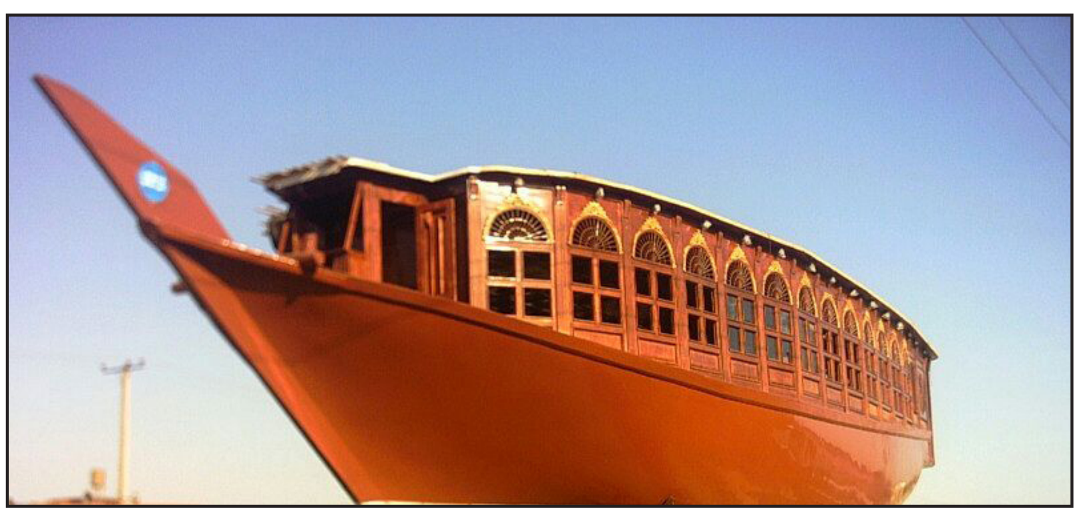
برایش تداعی آن روزها تلخی و شیرینی توأمانی دارد: «آقای حیدری که علاقه وافر مرا به این ایده و کشتی مشابه در دبی دید، از پیشینه طرح در بوشهر گفت که بنا بوده در سال ۸۳ چنین طرحی در بوشهر انجام بشود، ولی به سرانجام نرسیده. به من پیشنهاد کرد با توجه به توانایی ها و موجودی انبار دلوار کشتی که بسیاری از این قطعات را یا آماده دارد یا می تواند بسازد، این طرح را در بوشهر پیگیری کنم».

از واهمه و هراسش در بدو امر می گوید: «من با دست خالی چه جوری می توانم این کشتی را بسازم در حالی که در خرج خود و خانواده ام مانده ام. اما او مشوق من شد و پیشنهاد داد که مجوزهایش را بگیر و من قطعات کشتی را که چیزی حدود ۲۰۰ میلیون تومان می شود را به صورت چکی به تو می دهم، ولی مابقی هزینه ساخت آن را خودت باید تأمین کنی».

وقتی به اینجای بحث می رسد که برای گرفتن مجوزها و شروع کارش چه مشقت و مرارتی در پیچ و خم های اداری و دستگاه های بروکراتیک متحمل شده، منقلب می شود. به نظر تجربه آشنایی برای هر یک از ما ایرانی هاست که چه تجربه های دردناکی از دوزخ هزار توی این کاغذبازی ها و پاسکاری شدن های پیاپی برای هر امر کوچک و بزرگی داریم. او نیز هم درد ما و ما هم درد او، می گوید: « طرح را در شهرداری ارائه کردم که نتیجه نداد، و گرفتار روال اداری شدم و نتیجه خاصی هم عایدم نشد و گفتند که اصولا این طرح ربط وثیقی به شهرداری ندارد. در نهایت مرا به میراث فرهنگی سوق دادند که با توجه به بافت طرح، میراث فرهنگی می تواند حمایت کند. به میراث فرهنگی رجوع کردم که از طرح بسیار استقبال شد. مهندس فروزانی و معاونین ایشان بسیار طرح را تشویق کردند و انگار بعد از ماه ها، تازه به جایی رسیده بودم که به من و طرح من تعلق داشت و باید از آنها تشکر کرد که این طرح را فهمیدند و متوجه شدند چه جاذبه ای برای بوشهر ایجاد خواهد کرد».

می گوید اگرچه استقبال در میراث خوب بود، ولی روال کند اداری کماکان ادامه داشته و دارد، توضیح می دهد: «بنا شد که این طرح در دهکده گردشگری ایجاد شود. بعد از طی شدن روال اداری و تهیه موارد خواسته شده که هزینه ای حدود ۲۰ میلیون تومان برای من در برداشت و من به زحمت توانستم با صرف نظر کردن از بخشی از پس انداز و فروختن ماشین، این مبلغ را که بسیار هم برایم سنگین بود تأمین کنم، به اتاق استاندار رسیدم. ۱۱ خردادماه خود که در جلسه اقتصاد مقاومتی با حضور مسئولین، طرح های برگزیده ای که موافقت اولیه را کسب کرده بودند، در حضور استاندار رونمایی کردند و به طرح من هم پرداخته شد که دکتر سالاری برخوردی کردند که همیشه به یاد من خواهد ماند».

از به یاد آوردن آن روز انگار به خود می بالد. غرور و افتخاری در واژگانش می نشیند که به او سخت می برازد. با دستان خالی و با همت و توکل به آن مرحله رسیده بود و به بار نشستن تلاش هایش را می دید: «احساس می کنم اگر خودِ استاندار در آن جلسه حضور نداشت شاید این طرح به تصویب نمی رسید. در مقابل برخی تنگ نظری هایی که وجود داشت، جناب استاندار شخصاً از من و طرح من دفاع کرد و خواهان تصویب و اجرایی شدن آن شد. دکتر سالاری از معدود شخصیت هایی بود که در این مدت طرح مرا فهمیده بود. شاید آن گونه که دکتر سالاری به طرح من نگاه کرد و متوجه ظرفیت ها و پتانسیل های بالای آن به عنوان یک ایدهٔ خلاقانه شد، در طول تمام مدتی که به دنبال این طرح بودم، کمتر کسی این گونه به این طرح نگاه کرده بود. حتی برخلاف نظر مهندسینی که قائل به ثابت بودن طرح بر پایه های بتنی بودند، دکتر سالاری با دفاع از طرح، بر لزوم متحرک بودن کشتی و امکان گردش آن در آب های منطقه دهکده گردشگری تأکید کردند و با رد این نظر، خواهان شناور ماندن این کشتی در آب شدند».





اما مرحله سخت برای او تازه شروع شده. در خصوص اتمام طرحش حرف های تلخی می زند. انگار این درد او نیز آشنا و همه گیر به نظر می رسد. می گوید: «طرح ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و لگن و بدنه اتاقک آماده شده و ساخته و پرداخته شده. من هنوز صد میلیون بابت لگن بدهکارم، قطعاتی هم که بناست به ارزش ۲۰۰ میلیون روی کشتی نصب شود، به صورت چکی به من داده شده که بعدها از محل درآمد کشتی بتوانم این مبلغ را تصفیه کنم. الان چیزی حدود ۸۰ میلیون برای اتمام پروژه کم دارم. دیگر هیچ منبع مالی برای اتمام این پروژه که تا به حال هم مبلغ کلانی با افراد خیّر به صورت چکی کار کرده ام، ندارم».



می گوید که با بانک ها هم مراجعه کرده، اما سند می خواهند و یک مستأجر هرگز سندی ندارد! می گوید: «به بانک کارآفرین مراجعه کرده ام، با دیدن طرح، بسیار با من همکاری کردند. اما برای اعطای وام به سند نیاز است که من سندی ندارم. در یک ملک استیجاری زندگی می کنم و کسی هم ندارم که ملکی داشته باشد. این در حالی است که برای پنجاه میلیون تومان وام، تنها یک سند ۷۵ میلیون تومان هم کفایت می کند. از صندوق توسعه ملی هم که به طرح های این چنینی وام اعطا می شود، هنوز هیچ تخصیص بودجه ای داده نشده و از آن ناحیه هم نمی توانم تأمین اعتبار کنم».

می پرسم نا امیدی؟ می گوید: «امیدوارم... اگر چه سخت است. به هر دری زده ام. اما هنوز نتوانسته ام نتیجه ای بگیرم. توقع حمایت دارم، اما حامی ندارم. در استانداری هم پاسخی که داده شده با توجه به قول استاندار که طرح های مربوط به دهکده گردشگری از اولویت تخصیص منابع برخوردار هستند، اما به علت عدم واریز و رسیدن بودجه از صندوق توسعه ملی، متأسفانه فعلا حمایت مالی هم از جانب استانداری که بر روی این طرح وام بدهد ممکن نیست و این طرح علی رغم اینکه می تواند به سرعت به بهره برداری برسد، راکد باقی مانده است».

از انرژی آکنده است. می گوید از پا نمی نشیند و خسته نمی شود. باور دارد که می تواند و هیچ مشکلی سد ناشکستنی نخواهد بود. از ایده هایش برای کشتی می گوید و می گوید که می خواهد کارآفرینی کند: «می توانم برای بیست تا سی نفر اشتغال زایی کنم. با خودم عهد کرده ام به خاطر سختی هایی که به عنوان یک زن سرپرست خانوار و یک زن تنها که سختی های طاقت فرسایی کشیده و چندین بار در زندگی ضربه ها مهلکی خورده، زنان سرپرست خانوار را در اولویت استخدام قرار دهم».

وقتی این را می گوید از او می پرسم که شرایط را برای اشتغال و کار زنان چگونه می بینی؟ آه سنگینی می کشد و می گوید: «شرایط کار برای ما زنان واقعا سخت و توانفرساست. خصوصا زنان کارآفرین... زنانی که تنها و سرپرست خانوار هستند... ایده کم نیست. اما شرایط سخت است. من توکلم به خدا بوده و اتکا به همت خودم که با دست خالی و بدون حامی به این راه قدم گذاشتم. بوده اند افرادی که واقعا کمک کرده اند و نیّت صاف داشته اند که حمایتم کنند و اگر تا این جا هم رسیده ام، به کمک آنها بوده، ولی شرایط و روال اداری سخت است. در این مرحله که ایستاده ام، دیگر نوبت مسئولین است. من به عنوان یک زن تا به اینجا پیش آمده ام. از اینجا به بعد مسئولین چه امکاناتی می توانند برای امثال ما در این شهر فراهم کنند؟»

صحبتش را با همین پرسش پایان می دهد و من هم به آلبوم هر دو کشتی کامل شده و در حال ساختی نگاه می کنم که با توکل همت به این مرحله رسیده است.



مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری بوشهر:

اجرای طرح توان‌افزایی و ارتقای اجتماعی خانواده‌ها در استان بوشهر



مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری بوشهر گفت: اجرای طرح افزایش تاب‌آوری اجتماعی خانواده‌ها در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تعارضات خانوادگی در استان بوشهر با جدیت دنبال می‌شود.

به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، فاطمه دهقانی اظهار داشت: با توجه به سیاست‌های دولت بمنظور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در حوزه زنان و نقش اساسی زن در خانواده در راستای تحکیم و تعالی بنیان خانواده و آموزش فرزندان، اجرای این طرح و آموزش‌های لازم در این زمینه یک ضرورت مهم محسوب می‌شود.

وی با تاکید بر ضرورت کاهش آسیب‌های اجتماعی حوزه زنان و متناسب‌سازی آموزش‌ها بر اساس تغییر و تحولات جامعه افزود: با تغییر و تحولات بین نسلی، درون‌نسلی و همچنین تغییر سطوح فرهنگی و هویتی نیاز است مهارت‌هایی لازم به خانواده‌ها آموزش داده شود و تلاش بر این است که این تغییر و تحولات فرهنگی در سطح جامعه به رسمیت شناخته شود و از قابلیت‌های انسان آموزش دیده‌تر و توانمندتر اعم از زن و مرد برای جامعه به نحو بهتری بهره‌برداری شود.

دهقانی ادامه داد: بنابراین در پروژه توان‌افزایی و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی زنان بهبود شرایط زندگی خانوادگی و بهبود سبک زندگی، بهبود روابط بین نسلی و درون‌نسلی و ارتباط والدین مورد توجه است زیرا افزایش اعتماد اجتماعی نیازمند بهبود و ارتقای الگوی مفاهمه بر اساس گفت‌وگو و ارتباطات سالم است که در این طرح آموزش مهارت‌های زندگی در همین راستا پیش‌بینی شده است.

مدیر کل امور بانوان و خانواده استانداری بوشهر با بیان اینکه بدنبال ارتقا آگاهی‌ها و سطح سلامت روانی، جسمانی و اجتماعی زنان و خانواده‌ها هستیم، گفت: توسعه مشارکت در امور شهری، ارتقای فرهنگ شهرنشینی و کاهش آسیب‌های اجتماعی از دیگر اهداف اجرای طرح افزایش تاب‌آوری اجتماعی خانواده‌ها است.

دهقانی با اشاره به اجرای این طرح برای سه هزار زن در شهرستان‌های بوشهر، کنگان، دشتستان، گناوه، دیر، دشتی و عسلویه اظهار داشت: در هر شهرستان بنا بر اعلام فرمانداری‌ها بین دو تا چهار نقطه آسیب‌پذیر شناسایی شده که در هر شهرستان دو سازمان مردم نهاد در حوزه زنان برای اجرای این طرح همکاری می کنند.

وی تصریح کرد: بمنظور اجرای مطلوب طرح توسط سازمان‌های مردم، پیش از اجرا دوره‌های تربیت مربی برگزار می‌شود که در همین راستا یک کارگاه آموزشی هشت ساعته با همکاری بهزیستی ویژه مربیان برگزار می گردد.

مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری بوشهر یادآور شد: اعتبار اختصاص یافته برای اجرای این طرح یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال است که توسط معاونت زنان ریاست جمهوری، استانداری بوشهر و بهزیستی تامین می‌شود.

دهقانی با بیان اینکه ۲۰ مربی و ۱۴ سازمان مردم نهاد حوزه زنان در اجرای این طرح همکاری می‌کنند، گفت: آغاز نهایی این طرح در مهرماه است که پیش از آن مربیان آموزش‌های لازم را بطور کامل فرا می گیرند.

وی بیان کرد: این طرح شامل مهارت خودآگاهی، همدلی، برقراری ارتباط مؤثر، روابط بین فردی، حل مساله، تصمیم‌گیری، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، مقابله با استرس و کنترل خشم با هدف پیشگیری از تعارضات خانوادگی، نزاع دسته‌جمعی و افزایش فرهنگ شهروندی، مشارکت در امور شهری و مدیریت مسایل زیست‌محیطی است.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



سند شهادت رئیسعلی دلواری توسط اشغالگران انگیسی



نزدیک به یک قرن این گونه در تاریخ ذکر می شد که رئیسعلی دلواری بدلایل اختلاف درون قومی توسط یکی از افراد محلی کشته شده است و استعمارگران انگلیسی نقشی در شهادت وی نداشته اند، تا اینکه با ترجمه خاطرات رابرت چیک – ویس کنسول انگلیس در بوشهر توسط شادروان افشین پرتو و انتشار آن در مجموعه دانشنامه بوشهر، پرده از یکی از بزرگترین رازهای مبارزه دلیرمردان جنوب بر علیه اشغالگران، پس از قریب یکصد سال برداشته شد و نشان داد که اشغالگران انگلیسی بطور مستقیم در شهادت رئیسعلی دلواری نقش داشته اند.

به گزارش نسیم جنوب، متن زیر به عنوان سند این توطئه منتشر شده است:

رابرت چیک – ویس کنسول دولت بریتانیا در بوشهر ، در گزارش خود از این شهر ، برای روسای بالاترش در یکصد سال قبل چنین نوشته است:

سه شنبه ۱ سپتامبر ۱۹۱۵

به گمانم راه را یافته ام. دیشب او را یافتم. میرزا رحمت لیلکی مرا به نزد او برد. صحبت ها انجام شد. غلام حسین پذیرفت. شاید هیچ کس اشک نریخته ی مرا ندید. آن کس که باید کار را تمام کند، پذیرفت که چنین کاری را انجام دهد. نه تنها در این دیار بلکه در هر دیاری هر نوع آدمی پیدا می شود. پذیر و رفت. رفت. من و میرزا رحمت بازگشتیم. فهمیده بود در فکرم، اصلا صحبت نمی کرد.

بر چنین ملتی حکومت کردن آسان است. به لقمه نانی خرسندند. ما همه این را می دانیم. ما و روس ها و آلمانی ها و فرانسوی ها و هر یک از گوشه ای پا به این میدان می نهیم. تا دو سه ماه پیش فکر می کردم غوغایی شگفت تر برپا شود، ولی با همه چیز کنار آمده اند. دولت تنها در اندیشه خموش ساختنِ مخالفان خود در تهران است. شاه مجسمه تَرَک خورده قدرت است، مجلس نمایش مضحک انقلابی است که ریشه در اندیشه هم آهنگ با زمان ندارد. ایرانی نیست. در گیلان جماعتی بی هدف و بی برنامه دل خوش به نامی بزرگ دور هم جمع اند و آرمان شان مبارزه با نیروی پیاده شده روسیه در انزلی است. آذربایجان وامانده از هر واکنشی غرق در رویاهای فرداست. خوزستان هر لحظه ای انتظار درگیریهای جنگ جدیدی را دارد. خراسان و بلوچستان گویا تکه هایی جدا از ایران اند. اصفهان قلب تپنده ای است که غرق در خروش است بی آن که به فردایش بیندیشد و فارس سردرگم و گیج از هر عکس العملی است.

سه شنبه ۸ سپتامبر ۱۹۱۵

در سیلاب دگرگونی ها حادثه ای روی داد. تمام شد. یکی رفت. رییس علی کشته شد. میرزا رحمت لیلکی همه ی امروز را چشم به من دوخته بود و وقتی بعدازظهر خبر را آورد از سکوت طولانی ام تعجب کرد. هرگز شانه اش را نفشرده بودم. پس از پایان دوره ی طولانی سکوتم، شانه اش را فشردم. باید قهقهه سر می دادم، ولی نمی خواهم. آن کس را که برگزیده بودم کار را تمام کرد. در میان درگیری تیری و فریادی و مرگی. پایانی بر یک ماجرا. آدمی افتاده بر خاک. در خاک خواهد خفت. فردا درباره ی او و من و آن خاک چه خواهند گفت. من و او جنگیدیم ولی فردا درباره ی آن کس که تیر را انداخت چه خواهد گفت؟

بی حوصله ام. باید بروم پرسه ای بزنم. شبی شرجی و گرم است. از شهر هیچ صدایی نمی آید.

منبع: گزارش‌های مسترچیک از رویدادهای فارس و بوشهر در جنگ جهانی اول– مترجم افشین پرتو – از مجموعه کتاب‌های دانشنامه استان بوشهر، انتشار توسط حوزه هنری بوشهر ۱۳۹۲ –

مشاور استاندار بوشهر:

جوانان بوشهر با مهارت آموزی برای ساخت دو نیروگاه بوشهر آماده می شوند

جوانان بوشهر با مهارت آموزی برای مشارکت در ساخت دو نیروگاه بوشهر آماده می شوند.

مشاور استاندار بوشهر در امور جوانان در مصاحبه با خبرنگار مهر در بوشهر ضمن بیان این مطلب افزود: با برنامه ای که توسط استاندار بوشهر تهیه گردیده است، ۸ هزار نفر از جوانان استان بوشهر مهارت های لازم را برای مشارکت در ساخت دو نیروگاه اتمی در بوشهر فرا می گیرند.

یونس قیصی زاده اظهار داشت: بر همین اساس زمینه همکاری بین نیروگاه اتمی بوشهر با اداره فنی و حرفه ای استان، در مهارت آموزی ۸ هزار نفر از جوانان در طی ۴ سال با توجه به مهارت های مورد نیاز در ساخت دو نیروگاه اتمی بوشهر فراهم شده است و امیدواریم با این برنامه، جوانان ماهر استان بتوانند نقش مهمی در ساخت این دو نیروگاه ایفا نمایند.

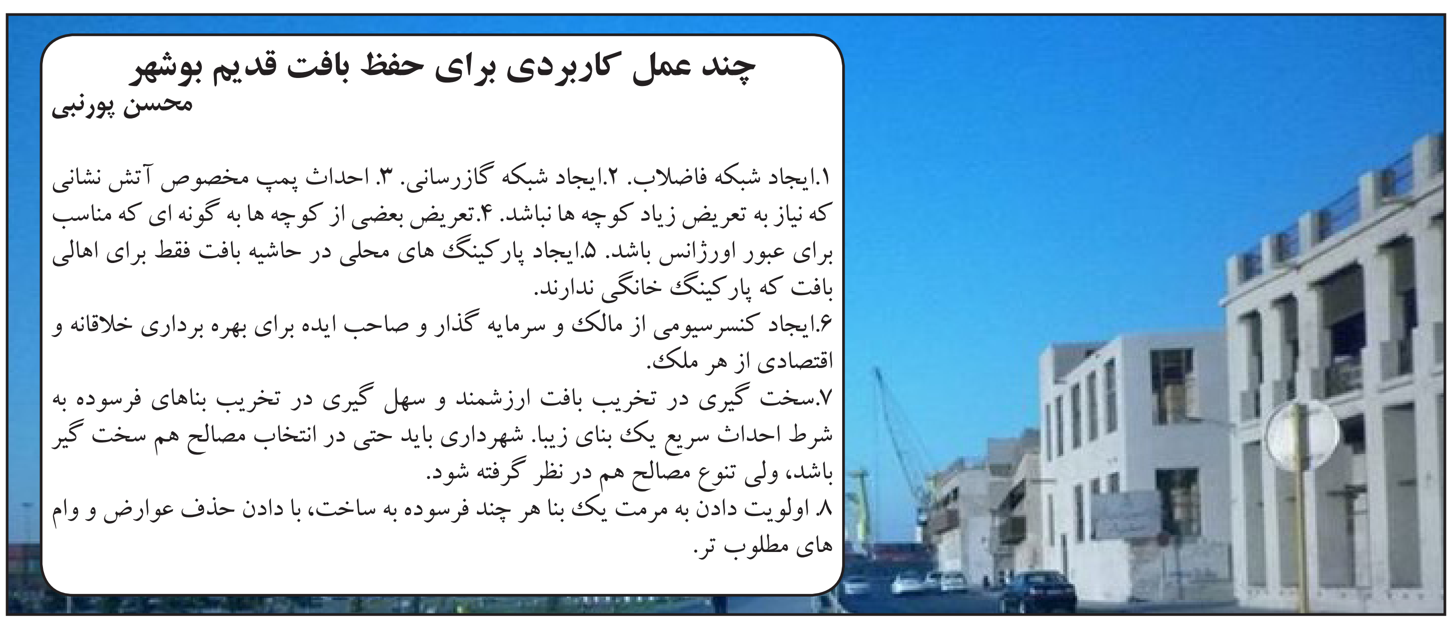
وی افزود: با تدبیر استاندار بوشهر، موضوع تفاهم نامه بین نیروگاه اتمی بوشهر با اداره فنی و حرفه ای برای آموزش مهارت های مورد نیاز ساخت نیروگاههای جدید در بوشهر از مدتها پیش در دستور کار قرار گرفت و مقدمات آن



انجام گرفته و بزودی شاهد آغاز این آموزش ها خواهیم بود و با توجه به دستور مساعد رئیس جمهور برای تامین مالی ساخت دو نیروگاه هسته ای در بوشهر، بزودی کلنگ زنی ساخت این دو نیروگاه در بوشهر انجام می گیرد، از این رو جوانان مهارت آموز بوشهر آمادگی مشارکت فعال در ساخت این دو نیروگاه را بدست خواهند آورد.

مشاور استاندار بوشهر اظهار داشت: به گفته مسئولان مربوطه، حداقل ۸ هزار میلیارد تومان هزینه ساختمان سازی این نیروگاهها در مدت ده سال در بوشهر خواهد بود، بنابراین می توان امیدوار بود که برنامه وجدیت استان در مهارت آموزی جوانان، می تواند مشاغل پایدار و فنی را برای آنان رقم زند.

مشاور استاندار بوشهر از همکاری مدیران نیروگاه اتمی و اداره فنی و حرفه ای در ایجاد این فرصت برای مهارت آموزی جوانان تشکر نمود و اظهار امیدواری کرد که این همکاری بین نیروگاه اتمی با دانشگاههای استان نیز برای اعلام نیاز و تربیت نیروهای متخصص مورد نیاز زمان بهره برداری این نیروگاهها نیز فراهم شود.



چند عمل کاربردی برای حفظ بافت قدیم بوشهر

محسن پورنبی

۱.ایجاد شبکه فاضلاب. ۲.ایجاد شبکه گازرسانی. ۳. احداث پمپ مخصوص آتش نشانی که نیاز به تعریض زیاد کوچه ها نباشد. ۴.تعریض بعضی از کوچه ها به گونه ای که مناسب برای عبور اورژانس باشد. ۵.ایجاد پارکینگ های محلی در حاشیه بافت فقط برای اهالی بافت که پارکینگ خانگی ندارند.

۶.ایجاد کنسرسیومی از مالک و سرمایه گذار و صاحب ایده برای بهره برداری خلاقانه و اقتصادی از هر ملک.

۷.سخت گیری در تخریب بافت ارزشمند و سهل گیری در تخریب بناهای فرسوده به شرط احداث سریع یک بنای زیبا. شهرداری باید حتی در انتخاب مصالح هم سخت گیر باشد، ولی تنوع مصالح هم در نظر گرفته شود.

۸. اولویت دادن به مرمت یک بنا هر چند فرسوده به ساخت، با دادن حذف عوارض و وام های مطلوب تر.

رازواره های تایتانیک ایرانی برای میراث فرهنگی بوشهر

کشتی رافائل به فروش می رود. خبر کوتاه و تلخ و ناگوار بود. همه چیز از شایعات شروع شد و به اخبار و جراید رسمی کشیده شد. قطعاتی از کشتی افسانه ای بوشهر جدا شده و به عنوان طلب و بدهکاری به فروش می رود. اعضای شورای شهر، استانداری و برخی دیگر از نهادها واکنش نشان می دهند. با خریدار پروانه عظیم کشتی، در استانداری نشستی برگزار می شود تا شاید از امحاء این بخش از کشتی جلوگیری به عمل آید. اعتراض شهروندان دل سوز از هر سو بر می خیزد و خواهان حفظ این کشتی به عنوان یکی از مهم ترین خاستگاه های خاطره های مشترک جمعی بوشهری ها و نمادین شدن آن در مؤلفه های هویت ساز می شوند.

روزگاری این کشتی، هم شانه با خواهر دوقلویش، کشتی میکل آنژ، سینه ستیز دریاها بود و پهنه اقیانوس ها را می پیمود. سرگذشت شگفتشان آنان را به سواحل بوشهر و بندرعباس کشاند. آخرین شاه ایران، با خریداری این کشتی ها به دنبال تحقق بخشیدن به بخش دیگری از بلندپروازی ها و رویاهای خویش بود. ایجاد بنادر تفریحی و توریستی در جنوب و رقابت با شهرهای شهیر جهان در گردشگری. اما دولت مستعجل بود و زودتر از آنچه که گمان می کرد سرنگون شد تا با پایان گرفتن دولت و قدرت و شوکت شاهنشاهی اش، رویاها و بلندپروازی هایش نیز به فراموشی سپرده شود. اما خودِ کشتی در ذهن و ضمیر بوشهری ها جا خوش کرد. حتی نسل های بعد از انقلاب هم که آن کشتی را ندیده اند قصه های افسانه آمیز از آن شنیده اند و البته ذهن ایرانی که به افسانه سازی و افسانه ای کردن هر چیزی عادت دارد، در این زمینه هم حق مطلب را ادا کرده و در حالی که این کشتی سال ها به عنوان متروکه ای بی حاصل، در گوشه ساحل افتاده بود، اما در ذهن و ضمیر بوشهری ها خاطره و خمیرمایه ای مشترک ساخت.

کشتی در بمباران دوران جنگ و بعدها یک تصادم تلخ، غرق شد و به اعماق رفت. اما یاد و خاطره اش باقی ماند و نسل ها افسانه ها بر آن ساخته اند. اینک با بازمانده این کشتی چه باید کرد؟ در مقام برنامه ریزی برای توسعه شهر برای این افسانه محبوب بوشهری ها و قصه های شفاهی که در مورد آن گفته و شنیده می شود، چه دیدگاهی باید داشت؟ بی تفاوت ماند؟ ضدیت کرد؟ ارزشی قائل نشد و ارزشی در این افسانه ها ندید؟ پاسخ به این پرسش به این بر می گردد که بدانیم برنامه کلان ما در استان برای توسعه چیست؟ چه دیدگاهی نسبت به اقتصاد غیر نفتی داریم؟ چگونه می خواهیم بر حسب برنامه های فرادستی و کلان کشوری، سهم خود را در کاهش وابستگی خانمان سوز به نفت ایفا کنیم؟ اگر پاسخ این پرسش ها را بدانیم، بی گمان خواهیم دانست با این افسانه ها و رازواره های سنتی در بوشهر چه باید بکنیم. آن موقع است که این سنت ها و افسانه های جدید و قدیم مثل معدن طلایی فرض می شود که نه تنها نباید ویران شوند، بلکه باید با برنامه ریزی های کلان و متناسب مورد بهره برداری قرار بگیرند.

اما عدم دانستن آن پرسش و جوابی بر آن پرسش، یعنی از دست رفتن فزاینده فرصت ها و بر جای ماندن حسرت ها و تلخی ها! در تصمیمی که برای فروش قطعات این کشتی اتخاذ شده است، کسی رد پای خاطره سازی و یادوارگی این کشتی برای بوشهری ها را ندیده است. در نتیجه گمان نکرده که با فروش قطعات آن، بخشی از این افسانه ها را از مردمی می ستاند که دیرگاهی است چیز عظیم ساخته شده ای برای مباهات کردن و نازیدن به آن کمتر داشته اند.



این سازه انسانی بر اساس همین اهمیتی که در بافت فکری بوشهری ها پیدا کرده، دارای بعد ارزش افزوده شده است و امروزه ارزشی بیشتر از ارزش اولیه و تعریف شده فنی و فیزیکی آن دارد. این نحوه مواجه با



این کشتی سردرگمی سیستم تصمیم گیر ما را می رساند که هنوز نمی داند به چه نحو می تواند از این ارزش افزوده بهره برداری کرده و ضمن حفظ این میراث مشترک، رشد و توسعه و ثروت برای بوشهر به ارمغان آورد.

جا داشته و جا دارد ارگان های متولی امر در استان، با ورود به این قضیه، هر نوع بهره برداری سازمانی از این کشتی را ممنوع کرده و فکر ویژه ای برای حفظ باقی مانده این میراث کنند. در ادامه با فراخوانی از همه علاقه مندان، متخصصین و سرمایه گذاران دعوت کنند با ارائه راهکارها و طرح های گردشگری این سرمایه معطل مانده بومی را به جریان انداخته و سودآوری به انجام برسد. ساختن تونل های شیشه ای درون دریا، احداث آکواریوم های بزرگ زیر آب، تورهای تفریحی و گردشگری شناور بر سطح و زیر سطح آب در حوالی این کشتی از جمله طرح هایی است که به سرعت می تواند نه تنها در بوشهر و جنوب ایران جلب توجه کرده، بلکه در سراسر کشو به چشم آید و جاذبه برای شهر و کشور ایجاد نماید. به راستی جا دارد پرسید چرا در مواجه با مشکلات و سرمایه های این شهر، همیشه دم دست ترین و آسان ترین و البته بی کیفیت ترین پاسخ ها و ایده ها عملیاتی می شود. چرا هیچ برنامه درازمدتی در هیچ رکن و ارگانی از این شهر به چشم نمی خورد؟ تا کی باید شاهد تباه شدن فرصت های تاریخی این شهر و استان در سایه نبود برنامه های کلان باشیم؟

رافائل، بزرگترین اکواریوم دریایی برای صنعت اکوتوریسمی

حسین شادکامی

سواحل شهر بوشهر با توجه به پیشرفت توسعه شهری و تصرف بسترهای ساحلی و خشک نمودن خورها و مصعب ها و نقاط جزر و مدی ساحلی (مکان های مناسب جهت رشد و نموی آبزیان) و پیشروی ساحل به دریا و تصرف قلمرو ساحلی با ساخت و سازهای دریایی و وجود انواع آلودگی ها و آلاینده و پساب های صنعتی که در امر پیشرفت فعالیت های اقتصادی روز بروز گسترش نموده است و دستخوش تغییر شرایط زیستی آبزیان در این مناطق دریایی بخصوص در زیستگاهها که معضلی برای کوچ مهاجرت آبزیان از آب های منطقه ای به فرامرزی کشانده شده است و در طی فرایند برهم خوردن امنیت ساحلی و به خطر انداختن محیط زیست دریایی، لذا برای جلوگیری از خسارت وارده به حیات زیست آبزیان و نابودی اکوسیستم دریایی دولت ها تلاش نموده اند که با بکارگیری و ایجاد زیست گاه های مصنوعی (ایجاد سازه های متحدالشکل زیستگاهی) و زیست گاه های طبیعی (کاشت جنگل های و درختچه های حرایی) جهت ترمیم و بهسازی ذخیره اقداماتی پیرامون پایداری محیط زیست دریایی ایجاد نمایند تا در این راستا تا حدودی فشار وارده بر ذخایر آبزیان را جبران سازد.

کشتی رافائل با توجه به موقعیت حساس و بیولوژیکی که طی ۳۳ سال درون آبهای ساحلی بوشهر خفته و آغوشش را به روی نسل گونه آبزیان گشوده است و اکوسیستمی در خور توجه بوم گرایی و چرخه تولیدی تمامی گونه های آبزیان توانسته بستری مناسب از سطح تا بستر ایجاد نماید و موقعیت استراتژیکی برتری نسبت به سازه های مصنوعی پیدا کند و پاره ای از تن نحیف بیمار گونه زیستی در این مکان جهت بهبود بخشیدن به آبزیانی که سالیان سال در کرانه آبی مان بسر می برند و دچار مخاطره شده اند بعنوان یک پدافند غیر عامل نقشش را ایفا نماید.

رافائل: امروزه مرهمی بر زخم های تراشیده حیات زیست آبزیان است که ایجاد نموده ایم.

رافائل: پناهگاه آبزیانی که از سر در گمی در محیط آبی که برای آنان در این منطقه بوجود آورده ایم.

رافائل: ارزشی درخور بزرگترین اکواریوم دریایی برای صنعت اکوتوریسمی.

رافائل: بزرگترین موجود زنده در سیکل حیات آبزیان قلمداد می گردد و توجه ویژه ای در حال و آینده می تواند داشته باشد و هیچگونه توجیه اقتصادی نمی توان برای از بین بردن آن بیان داشت.

رافائل: می تواند آزمایشگاهی از رفتار و ارتباط مستمر آبزیان در اکوسیستم مورد پژوهش باشد و نگرشی به آینده نگری در شناسایی آبزیان برای رشد و اندیشه صنعت اکوتوریسمی (بوم گرایی).

رافائل: حفظ صیانت از ارمغان وآرمانهای دفاعی کشور و شهر بوشهر و بهره برداری پایدار.

رافائل: می توان گفت که رافائل متعلق به تمامی نسل ها می باشد و وظیفه حفاظت و امنیت آبزیان در آبهای ساحلی خلیج تا ابد پارس را خواهد داشت.